

ترویسیم

نویسنده: محسن زامرد



Download from: aghalibrary.com

www.takbook.com



تروریسم

نویسنده:

- محسن رادمرد -

شایبک	:	978-600-364-930-9
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۳۱۵۹۳۵
عنوان و نام پدیدآور	:	تروریسم/نویسنده محسن رادمرد.
مشخصات نشر	:	گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۵۰ ص.
موضوع	:	Terrorism تروریسم
رده بندی دیویی	:	۳۲۵/۳۶۳
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۵ ت ۴ HV۶۴۳۱/۲
سرشناسه	:	رادمرد، محسن، ۱۳۷۰ -
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا

تروریسم

مؤلف: محسن رادمرد

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۵۰ ص

قطع: وزیری

شمارگان: ۳۰۰

شماره شایبک: ۹-۹۳۰-۳۶۴-۶۰۰-۹۷۸

چاپ و نشر: نوروزی-۰۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

قیمت: ۶۰۰۰ تومان



نشانی: گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، بازار رضا(ع). ۰۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸
 دورنگار: ۰۱۷-۳۲۲۲۰۰۴۷ آدرس الکترونیکی: Entesharate.noruzi@gmail.com
 سایت انتشارات: www.Entesharate-noruzi.com

مقدمه:

بی شک بدون واژه‌های ترور و تروریسم و اخبار حوادث روزمره‌ی مرتبط با آن کتاب‌های سیاسی و تاریخی بی‌محتوی و مثنی جملات فاقد ربط و ضبط می‌نمایند و بخش اعظم حجم خود را از دست می‌دهند. واژه‌ی ترسناک تروریسم که امروز بیش از همیشه شیخ آن آینده‌ی مشترک جوامع را تهدید می‌کند شاید به واقع همگام با حقوق بشر و دموکراسی از مبهم‌ترین واژه‌های عصر حاضر باشد. به قدری مبهم که بعد از قریب به ۳ قرن از نخستین استفاده‌ی سیاسی از این واژه امروز نمی‌توان تعریف قاطع، مشخص و مورد توافقی را درباره‌ی آن در سازمان ملل به تصویب رساند. در حالیکه همواره تروریسم دولت‌های مختلف شرق و غرب ملت‌های مستضعف را در کام می‌کشد و در حالی که قاتلانی که صبرا و شتیلا و ابوغریب و بگرام و امثال آن را رقم زدند بدون ذره‌ای شرم و با افتخار به راه خود ادامه می‌دهند و در حالیکه کسانی که در یک جنایت آشکار یک هواپیمای مسافربری را با قریب به ۳۰۰ سرنشین غیرنظامی از بین می‌برند نشان افتخار می‌گیرند در همین حال کسانی که هیچ راهی جز به دست گرفتن سلاح برای تأمین نخستین حقوق انسانی خود ندارند به بهانه‌ی اینکه برای بیرون راندن متجاوز و اشغالگر از سرزمین مادری خود به عنوان آخرین و تنها راه دست به دامان خشونت شده‌اند تروریست نام گرفته‌اند ناگزیر خواهیم بود که بگوییم اگر نشد تعریف واقعی ترور و تروریسم را به جهانیان ارائه کرد و جلوی جنایات مستکبران را گرفت پس باید به مبارزاتمان برای دفاع از استدلالاتمان افتخار کنیم.

همواره در تمام جوامع تروریسم وجود داشته است و تفاوت اشکال و مبادی اجرایی آن از روش‌ها و ابزارها سرچشمه گرفته، اما تعریف نظری مشخص از این پدیده دشوار است. با گسترش فعالیت‌های سلطه جویانه و ظالمانه‌ی ابرقدرت‌ها از نیمه‌ی دوم قرن بیستم مقاومت‌های مردمی در شکل خشن گسترش یافتند و تا حدودی با تروریسم گره خوردند. تروریسم با بسیاری از فعالیت‌های مجرمانه نظیر قاچاق انسان، سلاح، مواد مخدر و پول‌شویی پیوند خورده است. امروزه تروریسم برای

اهداف شوم خود راه‌های جدیدی یافته است از جمله تروریسم هسته‌ای؛ بیوتروریسم؛ تروریسم سایبری و... که هر یک موجودیت افراد، جوامع و ملت‌ها را تهدید می‌کند. این خرد نوشتار پاسخی است به سؤال چیستی، چرایی و چگونگی تروریسم.

فهرست

صفحه	عنوان
۱.....	تروریسم چیست؟.....
۱۸.....	تروریسم و جرائم سازمان یافته.....
۲۰.....	علل تروریسم.....
۲۶.....	تروریسم دولتی.....
۳۰.....	انواع تروریسم.....
۳۴.....	سوالات اساسی در مقابله با تروریسم.....
۳۵.....	منابع تامین تروریسم.....
۳۶.....	منابع مالی.....
۳۶.....	نیروی انسانی.....
۳۷.....	منابع دانش و آموزش.....
۴۰.....	تروریسم نوین.....
۴۰.....	تروریسم هسته‌ای.....
۴۱.....	بیو تروریسم.....
۴۵.....	تروریسم سایبری.....
۴۷.....	رسانه و تروریسم.....
۴۹.....	آینده‌ی تروریسم.....

تروریسم چیست؟

به قاعده‌ی کلی ایسم‌ها تروریسم نیز عبارت است از مجموعه‌ی شیوه‌های ترور محور در امور و جنبه‌های مختلف و در تعاریف مختلفی که درباره تروریسم و واژه‌های هم‌ریشه‌ی آن آمده وجه مشترک میان آن‌ها توسل به ترور یا جانب‌داری از ترور است پس نخستین چیزی که باید به بازشناسی یا حتی بازتعریف آن پردازیم خود واژه و مفهوم ترور است. بعلاوه اگر نخواهیم کورکورانه از زبان رایج پیروی کنیم؛ زبانی که اغلب پیرو سخنوری‌های وسائل ارتباط جمعی و یا نمایشات کلامی قدرت سیاسی مسلط است، می‌بایستی وقتی عبارت تروریسم و به ویژه تروریسم جهانی را به کار می‌بریم، محتاط باشیم.

اکنون ابتدا، باید دید ترور چیست؟ و چه چیزی ترور را از ترس، نگرانی و هراس متمایز می‌کند؟ واژه‌ی ترور نیز همانند دیگر واژگان وارداتی معانی متعددی دارد که بعلت گستره‌ی زمانی و مکانی استفاده‌ی آن از لحاظ مفهومی و بار گفتاری و روانی تفاوت‌هایی در آنها دیده می‌شود.

ترور واژه‌ایست که اصالت معنا را در آن از ریشه‌ی وحشت دانسته‌اند و کلمه‌ی ارهاب که معادل عربی ترور است، به معنی ترس و ترساندن است و مصدر آن رهب است. لغت نامه لوئیس معلوف در تعریف ارهابی می‌آورد من یلجأ الی الإرهاب لإقامة سلطته - کسی که از وحشت آفرینی برای برقراری سلطه اش سود می‌جوید؛ در ضمن آن آورده است - الحکم الإرهابی: إرهاب و العنف تعمد إلیه حکومت‌ها و جماعات.

در زبان انگلیسی نیز اصل کلمه‌ی Terreur به فعل لاتینی Ters برمی‌گردد، و به معنی ترساندن یا ترس و وحشت است که بیشتر مشتقات آن حول همین معانی مشخص می‌چرخند.

کلمه‌ی تروریسم برای اولین بار در زبان فرانسه در حوزه‌ی سیاسی به کار رفته است و ظاهر امر این است که این شکل استفاده‌ی از مشتقات واژه‌ی ترور به سال ۱۷۹۵ میلادی بازمی‌گردد که در لغت‌نامه‌ی مرحوم دهخدا در بیان‌شان آن می‌گوید تروریسم به معنای اصول حکومت وحشت و فشار و در شرح اصول حکومتی که در فرانسه‌ی حد فاصل سال‌های ۱۷۹۳ و ۱۷۹۴ حاکم بود آمده است.^۱

با توجه به معانی فوق، در تعریف لفظی کلمه‌ی تروریسم، به طور خلاصه می‌توان گفت که تروریسم به معنی شیوه‌ای است که در آن از ترس، ترساندن و وحشت استفاده می‌شود. اما تعریف نظری قاطع و مشخص از این پدیده قدری دشوار است.^۲ فرهنگ لغت وبستر در تعریف تروریسم می‌آورد «استفاده‌ی نظام‌مند و ساختار یافته از اعمال وحشت‌آفرین -اغلب در شکل خشونت- و خاصه تهدید».^۳ در کتاب فرهنگ علوم سیاسی^۴ نیز آمده است:

«در زبان فارسی این کلمه به اصلی اطلاق می‌شود که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع شود. در دیگر فرهنگ‌های فارسی نیز تروریسم به معنی لزوم آدم‌کشی و تهدید و خوف و وحشت در میان مردم، برای نیل به هدف‌های سیاسی؛ و یا برانداختن حکومت و در دست گرفتن زمام امور دولت، یا تفویض آن به دسته‌ی دیگری است که مورد نظر می‌باشد. این عقیده معمولاً از ابزار اصلی فاشیسم، ماکیاولیسم و مکاتب مشابه می‌باشد.»

و در لغت‌نامه روابط بین‌الملل ذیل کلمه Terrorism آمده است: ترور و تروریسم به فعالیت‌های بازیگران دولتی و غیر دولتی اطلاق می‌شود که شیوه و تمهیدات خشن را در اعمال خود برای رسیدن به اهداف سیاسی به کار می‌برند.

^۱ در این دوره اعدام‌های وسیع حکومت موجبات وحشت عمومی را فراهم آورده بود.

^۲ تروریسم؛ دشواری‌های دست‌یابی به تعریف عملی: ع- مروی

^۳ پایگاه اینترنتی موسسه‌ی وبستر

^۴ نوشته‌ی علی آقا بخشی

سازمان‌های دولتی در کشورهای مختلف تعریف‌های متفاوتی از تروریسم ارائه کرده‌اند که اغلب رابطه‌ی تنگاتنگی با منافعشان دارد اما جامعه‌ی جهانی به دلایلی که آمده در ارائه‌ی فرمولی در تعریف تروریسم ناکارآمد عمل کرده است.

آنگوس مارتین در کنفرانسی در سال ۲۰۰۲ یادآور می‌شود که تقلای جامعه‌ی جهانی هرگز در ارائه‌ی یک تعریف مشترک پذیرفته‌شده از تروریسم موفق نبوده است، چه اینکه در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی سازمان ملل متحد بر آن بود تا تعریفی از واژه‌ای ارائه کند که اعضای مختلف سازمان ملل درباره‌ی به‌کارگیری خشونت در محل تنش‌های آزادیخواهانه‌ی ملل و تلاش‌های جدایی‌طلبان و خودمختاری خواهان در این تعریف اختلاف‌نظرهای جدی داشتند.^۱

سازمان پژوهشی EPI در تعریف تروریسم می‌آورد « استفاده از زور علیه افراد یا دارایی‌هایشان» که طبق این تعریف نیز به‌سادگی می‌توان پلیس، آتش‌نشانی، شهرداری‌ها و سایر نهادهای دولتی را نیز تروریست محسوب کرد.^۲

حال با افزودن جمله‌ی برای نیل به اهداف سیاسی این دایره‌ی را محدود می‌کنیم؛ حال اگر این اهداف مشروع باشند و از راه‌های دیگر قابل پیگیری نباشند دایره‌ی تروریسم می‌تواند افرادی را در بر گیرد که شایسته‌ی بار معنایی این واژه نیستند پس با جمله‌ی اهداف نامشروع یا اهداف مشروعی که راه‌های عقلایی و مسالمت‌آمیز برای نیل به آن‌ها وجود دارد باز هم آن را محدودتر می‌کنیم.

اما اغلب چیزی که تروریسم را برای جوامع انسانی منزجر کننده می‌سازد این است که عمدتاً دامنه‌ی پیامدهای منفی تروریسم از محدوده‌ی افراد طرف حساب در مناقشه فراتر می‌رود و اکثر کسانی که قربانی آن می‌شوند نه ارتباطی با مسأله‌ی مناقشه داشته‌اند و نه کاری در راستای رفع مناقشه از دستشان بر می‌آمده پس این متمم نیز باید به تعریف اضافه شود.

^۱ وبلاگ مشترک جهانی - ویکی‌پدیا - مقاله TERRORISM

^۲ گزارش سالانه‌ی EPI ۲۰۰۹ میلادی

آنچه از تعاریف حاضر برای واژه‌های ترور، تروریسم و واژه‌های مشابه داریم تعاریف بسیار گنگ، مبهم و محو و بدون مرز هستند، چنانکه ارتش‌های در حال نبرد در میدان دفاع از میهن را می‌توانند در برگیرند که طبعاً با بار حقوقی و اخلاقی که به واژه‌های این رشته بخشیده‌ایم این امر اشتباه بزرگی محسوب خواهد شد.

تعریف‌های عام تروریست اغلب بر اعمال خشونت باری معطوف است که با هدف وحشت‌آفرینی از سوی آن‌ها صورت می‌پذیرد، این اعمال که می‌تواند از اعتقادات مذهبی، سیاسی و غیر آن نشئت گرفته باشد اغلب با تهدید امنیت افراد غیر مرتبط با مسئله‌ی مناقشه همراه است.

در حقیقت می‌توان گفت از آنجا که واژه‌ی تروریسم بار سیاسی و احساسی عجیبی بخود گرفته کار حقوق دانان و حتی فیلسوفان در ارائه‌ی یک تعریف عاقلانه از تروریسم بسیار دشوار شده و غیر ممکن می‌نماید.

مطالعات نشان می‌دهد که بیش از یک صد تعریف در مورد واژه‌ی تروریسم ارائه شده است. مفهوم تروریسم ممکن است از این جهت که اغلب به وسیله‌ی منابع دولتی و متناسب با منافع دولت تعریف می‌شود مورد مناقشه‌ی بسیار باشد. گهگاه نیز دولت‌ها از مخالفینشان با این برچسب یاد می‌کنند تا دیگران را در تقابل با مخالفین با خود همراه سازند و نیز بتوانند از قوه‌ی قهریه علیه مخالفینشان بهره‌گیرند که نظیر این را در مسئله داوودیان آمریکا مشاهده کرده ایم.

نخستین کنوانسیون بین‌المللی درباره‌ی تروریسم در ۱۹۳۷ با عنوان «کنوانسیون پیشگیری و مجازات تروریسم» برگزار شد و در ماده‌ی نخست بیانیه‌ی آن تروریسم به این شکل تعریف شد که «هر گونه عمل جنایی که به طور مستقیم بر ضد یکی از دولت‌ها صورت گیرد و هدف آن ایجاد حالت وحشت و نگرانی در میان اشخاص یا عموم مردم باشد».^۱

^۱ مقایسه‌ی تروریسم و جرم سازمان‌یافته: سعید حکیمی‌ها

اکثر تعریف هایی که از تروریسم ارائه شده بر چهار محور استوار بوده:

- روش - مشتمل بر بکارگیری زور و خشونت که اغلب به غیر قانونی بودن آن اشاره شده

- مجری - یک گروه یا دولت که در این ضمن تروریسمی که ممکن است توسط افراد صورت پذیرد نادیده گرفته شده

- هدف - معمولا دولت ها و مردم عادی به عنوان اهداف تروریسم مطرح می شوند

- مقصود - اغلب به شکل رسیدن به منافع سیاسی مطرح می شود

امروزه برخی از تعریف های تروریسم فعالیت های خشونت بار و جنگی غیر قانونی را نیز شامل شده اند.

در واقع طی دهه های اخیر بخش عمده ای از مطالب سیاسی رسانه های عمومی جهان به نحوی با «پدیده ی رو به گسترش تروریسم در ارتباط بوده است».

دستگاه دیپلماسی ایالات متحده در ۱۹۸۴ بیان می دارد که «استفاده ی غیر قانونی از زور و یا خشونت بوسیله ی گروهی انقلابی علیه افراد یا دارایی آنها به منظور ارعاب و اجبار جوامع و دول با دلایل سیاسی یا ایدئولوژیکی تروریسم است».

و اف بی آی در ۱۹۸۳ بیان می دارد که «تروریسم عبارت است از استفاده ی غیر قانونی علیه افراد یا دارایی های آنها بمنظور ارعاب و اجبار دولت ها یا شهروندان غیر نظامی و یا بخشی از آن ها به منظور دستیابی به اهداف سیاسی یا اجتماعی».

این اختلاف نظرها سبب شد که جامعه ی ملل هرگز تعریف واضحی از تروریسم نداشته باشد تا بتواند بر مبنای آن اجماع اعضای خود را علیه خشونت غیر منطقی تروریست ها به دست آورد.

در جمع بندی تعریف های لفظی فوق الذکر، و ملاحظاتی که در این زمینه مطرح شد، تروریسم را می توان:

«هر نوع استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت غیرقانونی، به منظور ایجاد جوّ رعب و وحشت، برای تحت تأثیر قرار دادن یا تسلط بر فرد یا مجموعه ای از افراد و یا کل

جامعه. این کار برای دستیابی به هدف مشخصی که شخص اعمال کننده‌ی خشونت در نظر دارد انجام می‌گیرد.»

محمود جلالی استادیار دانشگاه اصفهان در مقاله‌ی ای با عنوان «تروریسم از دیدگاه حقوق بین الملل با تأکید بر حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»^۱ آورده است که «اعمال و روش‌های تروریستی نقض آشکار اصول و مقاصد سازمان ملل متحد تلقی می‌شود و تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین المللی است. با این حال هنوز در جامعه‌ی جهانی در مورد تعریف تروریسم اجماع وجود ندارد.»^۲

وی می‌افزاید «بدون وجود تعریفی جامع و جهانی از این جرم نمی‌توان به یک نظام دائمی و منسجم جلوگیری از تروریسم دست یافت.»^۳

ظاهراً نگارنده تحت تأثیر فرهنگ سیاسی وقت - دولت هشتم به ریاست جمهوری حجت الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی - تنها راه حل مشکلات را ذوب شدن در جامعه‌ی جهانی می‌بیند و نگاهی به مشکلات، توانمندیها و همکاریهای منطقه‌ای ندارد. این امر که بنشینیم تا جامعه‌ی جهانی موفق شود با جلب رضایت ابر قدرت‌ها تعریفی از تروریسم ارائه دهد که عملاً بنا به خواسته‌ی ابر قدرت‌ها یا مقدور نیست یا در واقع تعریفی جعلی و بلا استفاده است نه کمکی به ما می‌کند و نه قربانیان تروریسم را به حال و روز بهتری رهنمون می‌سازد.

وی اضافه می‌کند «این عدم اجماع بر تعریف تروریسم عمدتاً از آنجا ناشی می‌شود که ابر قدرت‌ها سعی می‌کنند تعریفی ارائه دهند که کسانی را که با آرا و عملشان مخالفند و در برابر زیاده‌خواهی‌ها و سلطه‌طلبی‌ها و جنایات و سرقت‌های

^۱ بر اساس اسناد و استدلال‌های غیرقابل انکار بسیار یازدهم سپتامبر نه از نوع حوادث تروریستی که از نوع حربه‌های دولت آمریکا موسوم به پرچم وارونه (علامت اشتباهی) است. در اینکه جامعه اطلاعاتی آمریکا عامل اصلی حادثه بوده هیچ شکی نیست لیکن به جهت تصویری که به واسطه‌ی رسانه‌ها در اذهان به وجود آمده و به واسطه‌ی مدل‌سازی یک حادثه‌ی تروریستی در این نوشتار بعنوان یک حادثه‌ی تروریستی یاد شده.

^۲ جلالی، محمود؛ تروریسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل با تأکید بر حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

^۳ همان

آنها قد علم کرد بتوانند با زدن برچسب تروریست بر پیشانی او علاوه بر مشروع جلوه دادن جنایات و خیانت های خود علیه او؛ از امکانات جامعه جهانی و ملل دیگر به رایگان در جهت از بین بردن او بهره بگیرند. نمونه ی این رفتار را علیه ایران، حزب الله و سوریه شاهد بوده ایم و نیز اقدامات مشابهی که علیه کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین صورت گرفته است.

نویسنده یاد آور می شود که کنسرسیوم های بسیاری در مبارزه با تروریسم به تصویب رسیده و از آن جمله «مبارزه با تامین مالی تروریسم-۱۹۹۱»، «قطعه نامه ی ۱۳۷۳» و... اشاره می کند اما لزوما مشخص است که این قطعه نامه ها بر عملا کسانی را که از حقوق و منافع خویش دفاع می کنند را نیز تحدید می کند که حزب الله لبنان و سازمان های مبارز فلسطینی از آن جمله اند.^۱

اما در شریعت مقدس اسلام نزدیک ترین مفهوم به ترور و تروریسم موضوع «محاربه» است که به شکل «استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح به نحوی که عموم جامعه هدف فرد محسوب شوند و موجبات وحشت عمومی را فراهم آورد» در این تعریف اگر استفاده از سلاح بنحوی باشد که هدف استفاده کننده ی سلاح فرد یا افراد خاصی باشد از تعریف محاربه خارج می شود.

حال اگر بر مبنای تعریف محاربه تروریسم را از نو تعریف کنیم و تعریف محاربه را بر آن سوار کنیم می توانیم بگوییم «تروریسم عبارت است از انجام هرگونه حرکت مسلحانه [اعم از سلاح سرد یا گرم] به هر علت به نحوی که موجب گردد عموم جامعه، جان، مال، ناموس، یا فعالیت های اجتماعی خود را بدون آنکه در موضوع مناقشه نقش مستقیم داشته باشند در معرض خطر ببینند.»

در این تعریف تاکید بر مسلحانه بودن حرکت از آن سو است که حکومت ها نتوانند با برچسب تروریسم مخالفین و معترضین را سرکوب کنند. ذکر عبارت عموم

^۱ جلالی محمود، تروریسم از دیدگاه حقوق بین الملل با تأکید بر حادثه ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

جامعه بدین منظور است که حرکات تروریستی اغلب به نحوی است که سبب می شود افرادی که در حوزه ی بیم تکرار آن هستند نه می توانند با علتی خود را مصون از عواقب تکرار آن بدانند و نه می توانند با علتی خود را هدف قطعی این تهدیدها قلمداد کنند. تا این نقطه این تعریف تقریباً تمام اشکال تروریسم را از سوی افراد، گروهها، نهادها و دول در بر می گیرد اما در ذکر عبارت فعالیت های اجتماعی تهدید تروریستها علیه نهادهایی است که مشروعیت خود را از تایید عمومی جامعه و اصطلاحاً مردم سالاری دریافت کرده اند، این بستر سبب می شود تا قتل کسانی که با آرای مستقیم یا غیر مستقیم اکثریت جامعه قدرت سیاسی کسب کرده اند از این منظر که تهدید مشارکت عمومی افراد جامعه و به نحوی تهدید دموکراسی است را بتوان ضمن تعریف محاربه در محدوده ی تروریسم محصور نمود.

مالکوم دابلیو نانس صاحب نظر در حیطه ی تروریسم همچنین یاد آور می شود که تروریست ها:^۱

- انسانهای زنده هستند نه ماشین؛ ربات؛ حیوان دست آموز یا هر چیز دیگر؛ مردمی که توانسته اند یک دشمن برای خود تعریف کنند و بقدری از او بیزار باشند که جان و مال خود را برای آسیب رساندن باو صرف کنند.
- تروریست ها اغلب توسط بخشی از فرهنگ، ملت یا گروه (طائفه؛ قبیله و...) خود حمایت شده و مورد احترام هستند؛ گرچه آنها واقعا شیطان صفت، حیوان، خشن و زشت خو و... باشند، اما این احترام است که آنها را قادر بعمل می سازد.
- در عملکردشان منطقی و معقولند: به ندرت تروریست ها را می توان نادان، دیوانه یا احمق خواند، در عمل آنها باهوش، آموزش دیده و منطقی هستند و اندیشه هایشان را شفاف نگاه می دارند.

^۱ Terrorists Recognition Hand Book:66

- تحرک پذیری شگفت انگیز: تروریست ها اغلب از انسانها برای تحرک پذیر کردن اقدامات خطرناک خود استفاده می کنند و این یعنی اینکه سرعت حرکت انسان ها می تواند با سرعت تحرک عمل تروریستها برابر قلمداد شود.
 - کاملاً در عمل خود توجیه شده اند: لزوم بروز هر حرکت از سوی تروریستها جهت توجیه فکری آن مستفاد است.
 - اغلب از سازماندهی منسجم و یکپارچه ای بهره می برند.
 - موجودیت خود را با حرکات وحشت آفرین تصادفی به جامعه و جهان اعلام می کنند.
 - شاید در حملات خود موفق نباشند اما بدست آوردن توجه شما پیروزی آنها محسوب می شود.
 - با دانستن گزینه های عملیاتی تروریست ها می توان بشکست آنها امیدوار بود.
- فعالیت های تروریستی می توانند توسط هر کسی صورت بگیرند، گروه های سیاسی راست، چپ، ملی گرا، مذهب یون افراطی، انقلابیون، آنارشیست ها، اغتشاش گران و حتی دولت ها. در تمام این اشکال می توان بکارگیری خشونت علیه افراد بی ارتباط با موضوع مناقشه در راستای نیل به توجه عمومی را مشاهده کرد. نماد گرایی گروه های تروریستی را نیز می توان در همین راستا ارزیابی کرد.
- با گسترش فعالیت های سلطه جویانه و ظالمانه ی ابر قدرت ها از نیمه ی دوم قرن بیستم به شکلی که امکان تظلم خواهی قانونی ملل مورد ستم را از ایشان گرفت، مقاومت های مردمی در شکل خشن گسترش روز افزون یافتند و تا حدودی با تروریسم گره خوردند، به همین جهت کورت والدهایم دبیر کل وقت سازمان ملل ماموریت یافت تا مسئله ی تروریسم را در سطح بین المللی مطرح و از امکانات جامعه جهانی در جهت رفع مقاومت علیه مدرنیسم سیاه غرب بهره گیرد.

در ۱۹۷۲ مجمع عمومی سازمان ملل با عضویت ۳۵ کشور کمیته‌ی ویژه‌ای برای مقابله با تروریسم تشکیل داد اما به دلیل تقابل منافع غربی‌ها با تعاریف عام‌مورد قبول اغلب کشورها تعریف مشخصی از تروریسم ارائه نشد.

ماده‌ی ۴۲۱ قانون جزایی فرانسه تروریسم را «اقدام فرد یا افرادی با هدف اخلال شدید در نظم عمومی از طریق ارباب یا ترور تعریف می‌کند».

در کشور ما اما الزام قطعنامه‌ی ۱۳۷۳ شورای امنیت سبب شد تا در ۱۵ آذر ماه ۱۳۸۲ «لایحه‌ی مبارزه با تروریسم» جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی برود.

در ماده‌ی نخست این لایحه «ارتکاب یا تهدید به ارتکاب جرایم و اقدامات خشونت‌آمیز از طریق به وحشت افکندن مردم جهت تاثیر‌گذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی، سایر کشورها و سازمان‌های بین‌الدولی، جرم تروریستی محسوب می‌شود».

بروس هافمن نویسنده‌ی کتاب اندرونی تروریسم بر این عقیده بود که اگرچه نمی‌توان تعریفی جامع و مانع از تروریسم ارائه کرد اما می‌توان ویژگی‌هایی کلیدی تعریف کرد که با تامین آنها در فعالیت‌های فرد، گروه یا دولتی آن را تروریستی محسوب نمود. با تمایز قائل شدن بین تروریسم و سایر اشکال و انواع جرائم در می‌یابیم که تروریسم:

- ناگزیر دارای اهداف یا حرکات سیاسی است. - در این نقطه باید از هافمن سوال نمود که اگر افرادی برای سرقت از یک بانک بزرگ مثلاً بانک مرکزی یک کشور اقدام به اعمالی نظیر انفجار در کوچه و خیابان یا گلوله باران افراد بی‌گناه کنند، شکلی از تروریسم نیست. آیا اگر سلفی‌ها افرادی را به بهانه‌ی اینکه شیعه هستند و شیعیان کافر هستند در پاکستان و عراق و مصر و قفقاز و غیره در مساجد و حسینه‌ها و مراکز عمومی و راه‌ها بمب می‌گذارند، عملیات انتحاری انجام می‌دهند و مردم بی‌دفاع را به گلوله می‌بندند شکلی از تروریسم نیست؟ بنابراین از نظر ما سیاسی بودن صرف اعمال تروریستی مردود است. البته تروریست‌ها اغلب سعی می‌کنند با بهانه‌های

سیاسی اعمال جنایتکارانه ی خود را پنهان کنند و موجه جلوه دهند، اما در ریشه یابی تروریسم این ساده انگاری است که جنون و قدرت طلبی مشتکی فریبکار را با بیان سیاسی بودن توجیه پذیر نمود.

- خشونت یا به همان مرحله از اهمیت تهدید به خشونت: بله در این مرحله تا حدودی با آقای هافمن موافقم اما باید مشخص شود که صرف خشونت دارای اهداف سیاسی یا مذهبی نمی تواند تروریسم باشد، مثال آنکه فرانسه کشوری اسلامی مانند الجزایر را اشغال می کند، افراد را می کشد و به زنان تجاوز می کند؛ عقاید مردم ساکن را نادیده گرفته و در جهت مبارزه ی با آن گام بر می دارد، در این مسیر زنان و مردان الجزایری تحت تاثیر عقاید، کرامت طلبی و سلطه و ظلم ستیزی خود بمب به خود می بندد و خود را در بین افرادی که نباید در الجزایر باشند چه نظامی و چه غیر نظامی منفجر می کنند؛ آیا این تروریسم است و باید با آن مقابله کرد. وقتی از دولت فرانسه پرسیم بی درنگ پاسخ مثبت می شنویم اما آیا افراد بی طرف و مردم الجزایر نیز همین نظر را داشته اند؟ در فلسطین چطور؟ در مناقشه ی صهیونیست ها و فلسطینیان چطور؟ در فلسطین در هر دو طرف افراد غیر نظامی کشته می شوند. هدف هم تا حدود زیادی برای هر دو طرف سیاسی قلمداد می شود؛ آیا در این نقطه تروریسم در هر دو سو جریان دارد؟ آیا افرادی که خود را شهروند رژیم اسرائیل می دانند اجازه دارند در جایکه امروز هستند باشند؟

- طراحی شده است تا تاثیری به مراتب فراتر از فرد یا هدف مورد تعدی داشته باشد: در این مورد نیز کاملاً نظر آقای هافمن را مردود می دانیم چه اینکه دشمنان ایران فردی مانند دکتر مطهری را برای طرحهای خود خطرناک می بینند و او را از بین می برند تا دیگر نباشد؛ با این شرط این اقدام هم از دایره ی تروریسم خارج می شود.

- به وسیله ی یک سازمان با یک سلسله ی مراتب فرماندهی یا ساختار سلولی توطئه گر شکل گرفته باشد: در این زمینه هم با آقای هافمن مخالفیم چه اینکه در این صورت اگر یک فرد به هر نحو و با هر علتی بدون آنکه از کسی دستور گرفته باشد بمب به

خود ببندد یا با خودروی بمبگذاری شده فرد یا افرادی را از بین ببرد در این صورت از دایره ی تروریسم خارج است.

• به وسیله ی گروهی از داخل یک ملت یا یک موجودیت غیر دولتی صورت پذیرد: این نیز دیگر مورد اشتباه آقای هافمن است؛ با این تعریف عملیات های تروریستی سازمان سیا در قتل افراد و جنایت های متعدد دول غربی علیه بشریت همه و همه غیر تروریستی و کاملاً موجه خواهند بود. بیایید یک مثال ساده بزنیم؛ اگر یک مجموعه از افراد فارغ از خط مشی ها و اهداف یک رییس جمهور در آفریقا را به قتل برسانند به احتمال زیاد وزارت امور خارجه ی ایالات متحده یک پیام تسلیت ارسال می کند و قاتلین را تروریست معرفی می کند. حال همان رئیس جمهور منافع ایالات متحده را به خطر می اندازد مثلاً از شوروی موشک های دوربرد دریافت می کند یا به اقدام جدی علیه مواد مخدر می پردازد؛ سازمان سیا به سادگی یک طرح ترور می کشد و فرمان عملیات میدهد یا با مواد سمی و یا با یک عملیات پیچیده نظیر آنچه که برای بن لادن به وقوع پیوست و در هر صورت رئیس جمهور مذکور کشته شده است. آیا کسی می تواند از ایالات متحده سوال کند آیا عاملان این ترور تروریست هستند؛ این مغالطه ایست که غربی ها با طرح آن همواره دشمنان خود را تروریست می خوانند تا جنایات خود را علیه آنها موجه جلوه دهند بی آنکه که دلیل دشمنی اهمیتی داشته باشد. یک مثال دیگر فرض بگیریم تعدادی از شهروندان آمریکایی در یک ساختمان باشند؛ القاعده حمله کند تمام این افراد را از بین ببرد این می شود یک نمونه ی مسلّم از تروریسم؛ حال دولت ایالات متحده همین کار را با شهروندان خود می کند؛ این بار داوودی ها می شوند تروریست و دولت آمریکا می شود منجی بشریت. جای بسی تأسف است که این کشورها مدیریت جهان آشفته ی امروز را بزور به کف گرفته‌اند.

• عبدالناصر حریز در این باره می‌گوید:

«این خشونت از ماهیت سمبلیک برخوردار است. به عبارت دیگر، عمل خشونت‌بار و یا تهدید به انجام آن، پیامی (یا تأثیر روانی خاص) دارد که یک گروه یا مجموعه، و یا کل جامعه را مورد هدف قرار می‌دهد؛ و [محیط یا افراد] پیرامون، قربانی مستقیم یا هدف مستقیم عمل تروریستی هستند، که ممکن است هیچ ارتباطی با مسأله‌ی تروریست‌ها نداشته باشند.»

مرکز جورج مارشال برای مطالعات امنیتی اروپا تعریف زیر را ارائه کرده است:

«تروریسم به صورت خشونت سیاسی در تنش‌ها و مناقشات نامطمراز تعریف می‌شود که با هدف ایجاد رعب و وحشت فیزیکی (گاه بدون آنکه تبعیض قائل شود) از طریق خشونت ابزاری و انهدام اهدافی که ربطی به مسئله‌ی مناقشه ندارند (گاه بصورت نمادین) طرح می‌شود. این قبیل اعمال اغلب دارای پیامهایی از یک سازمان مخفی نامشروع برای دیگران هستند. هدف تروریسم بهره‌گیری مستمر از رسانه‌های عمومی بمنظور جلب حداکثری توجه عمومی برای تقویت نفوذ و قدرت چانه‌زنی سیاسی در راستای رسیدن به اهداف کوتاه و میانمدت سیاسی است یا گاه بمنظور اهداف بلندمدتی نظیر اسقاط نظامهای سیاسی و دولت‌ها.»

هافمن می‌گوید؛ در گام نخست حداقل همه پذیرفته‌اند که واژه‌ی تروریسم یک واژه‌ی منفی و تحقیرکننده است. این لغتی است که ذاتاً ذهنیت منفی القاء می‌کند و اغلب افراد از آن برای توصیف دشمنان و مخالفانشان سود می‌جویند.

برایان جنکینز نیز این سوال را مطرح می‌کند که «چه چیزی نام تروریسم به خود می‌گیرد؟» و می‌افزاید «به نظر می‌رسد بسته به نقطه‌ای که یک فرد از آن به ماجرا نگاه می‌کند این مسئله متفاوت خواهد بود. استفاده از واژه‌ی تروریسم نیازمند نوعی تعهد اخلاقی است و این امر که اگر یک حزب بتواند با موفقیت برچسب تروریست را به مخالفینش الصاق کند پس غیر مستقیم دیگران را بر آن می‌دارد تا نگرانی او را باور

کنند از نقطه نظر اخلاقی اعلام تصمیمی است دال بر پذیرش عمومی این شیوه بعنوان یک تاکتیک سیاسی.»

یک عبارت مصطلح است که می گوید تروریست کسی است که از دید دیگر قهرمان آزادی است.

بنابراین، برای عمل تروریست‌ها، عناصری اصلی لازم می‌شود که به طور حتم باید فراهم شوند این عناصر عبارتند از:

- ۱- استفاده و یا تهدید به استفاده از خشونت، به صورت غیرقانونی و نامأنوس.
 - ۲- عمل تروریستی توسط فرد یا گروه و یا خود دولت انجام می‌شود.
 - ۳- عمل تروریستی علیه فرد یا مجموعه‌ای از افراد و یا کل جامعه صورت می‌گیرد.
 - ۴- هدف از عمل تروریستی ایجاد جوّی از رعب و وحشت است.
 - ۵- انتشار یک پیام و ایجاد تأثیر روانی معین، که باعث می‌شود افرادی که هدف عمل تروریستی هستند تحت تأثیر آن اثر روانی قرار گیرند.
 - ۶- به طور معمول، عمل تروریستی، از حد هدف مستقیم خود، که ممکن است کوچک‌ترین ارتباطی با قضیه‌ی تروریست‌ها نداشته باشد، فراتر می‌رود.
- ژاک داریدا اندیشور سیاسی این سوال را مطرح می‌کند که «اگر به تعاریف رایج و صریح قانونی از تروریسم مراجعه کنیم، چه می‌یابیم؟»
- و پاسخ می‌دهد «در این تعاریف، تروریسم ناظر به جنایتی است که علیه حیات انسانی و با تجاوز از قوانین ملی و بین‌المللی رخ می‌دهد. بر اساس این تعریف، هم نظامیان از مردم متمایز میشوند (قربانیان تروریسم عمدتاً غیرنظامی تصور می‌شوند) و هم اینکه، هدفی سیاسی مد نظر قرار می‌گیرد (ترساندن و مرعوب کردن مردمان غیر نظامی به منظور تأثیر گذاشتن و یا تغییر سیاست یک کشور). در نتیجه، تعاریف موجود، تروریسم دولتی را حذف نمی‌کنند. همه تروریست‌های دنیا مدعی اند که عملشان پاسخی است برای دفاع از خود، علیه تروریسم دولتی که به این عنوان عمل نمی‌کند و با استدلال‌های کم و بیش معتبر اعمال خود را توجیه می‌کند.»

«مثلا و به ویژه، از اتهاماتی که علیه امریکا وجود دارد اطلاع دارید. این کشور متهم به اعمال و تشویق تروریسم دولتی است. از طرف دیگر، حتی در دوران جنگ های اعلام شده دولت با دولت، در اشکال قدیمی حقوق اروپا، تجاوزات تروریستی رایج بود. از قرنها پیش، از بمبارانهای کم و بیش شدیدی که در طی دو جنگ جهانی اخیر انجام شد، ارباب مردم غیرنظامی حربه ای معمولی بود.»

و اضافه می کند «در اینجا باید کلمه ای هم در مورد اصطلاح تروریسم بین المللی بگویم که آبخور گفتمانهای سیاسی رسمی در همه جهان است. این اصطلاح را در بسیاری از قطعنامه های رسمی سازمان ملل هم می بینیم. بعد از یازده سپتامبر، اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان (درست به خاطر ندارم؛ شاید هم اکثریت مطلق، باید دید.) چیزی را که تروریسم بین المللی مینامند محکوم کرده اند؛ همانطور که این امر، طی سالهای گذشته، چندین بار اتفاق افتاده است. تا جایی که کوفی عنان در جریان جلسه ای که از تلویزیون پخش می شد به بحث های فراوانی که پیش از رای گیری انجام شده بود اشاره کرد و گفت: حتی در لحظه ای که نمایندگان آماده می شدند تا به محکومیت آن رای دهند، بعضی از دولتها، در مورد روشنی این برداشت از تروریسم بین المللی و ملاکهایی که موجب شناسایی آن می شوند، اظهار تردید کردند. چیزی که در این برداشتها، گنگ، جزمی یا غیر نقادانه است؛ مثل بسیاری از مفاهیم حقوقی که پیامدهای سنگینی دارند، مانع از این نمی شود تا قدرتهای موجود و به اصطلاح مشروع، آنگاه که به نظرشان مناسب برسد، از آنها استفاده نکنند. برعکس، هر چه بینشی مبهم تر باشد، بیشتر به درد تصاحب فرصت طلبانه می خورد. وانگهی، به دنبال همین تصمیمات عجولانه و بدون کمترین بحث فلسفی در مورد تروریسم بین المللی و اعلان محکومیت آن بود که سازمان ملل به دولت آمریکا اجازه داد تا برای حفاظت خود، از هر وسیله ای که مناسب دید، در برابر به اصطلاح تروریسم بین المللی استفاده کند.»

دریدا همچنین متذکر می شود که « تروریستها میتوانند، در مقطعی، به مثابه مبارزان آزادی مورد ستایش قرار گیرند (مثلا در مبارزه علیه اشغالگران شوروی در افغانستان) و در مقطعی دیگر به عنوان تروریست مورد تقبیح واقع شوند (که اغلب همان مبارزان و با همان اسلحه هستند). معهذا، نباید فراموش کنیم که در مورد تشخیص ملی یا بین‌المللی بودن تروریسمی که تاریخ الجزایر، ایرلند شمالی، کرس و یا اسرائیل و فلسطین را تحت الشعاع قرار داده است، با مشکلات فراوانی روبرو خواهیم بود. هیچکس نمی تواند منکر شود که نوعی تروریسم دولتی در سرکوب الجزایریها توسط دولت فرانسه از ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۲ وجود داشته است. وانگهی، تروریسم مبارزان الجزایری تا مدتهای مدیدی به عنوان پدیده ای محلی تلقی می شد؛ زیرا الجزایر، در آن زمان، بخشی از سرزمین ملی فرانسه به حساب می آمد؛ همانطور که تروریسم دولت فرانسه نیز به عنوان عملیات پلیسی و امنیت داخلی معرفی می شد. تازه، پس از گذشت دهها سال، در سالهای ۱۹۹۰ مجلس فرانسه به این مخاصمه عنوان جنگ داد (یعنی مقابله بین المللی)، آن هم با این هدف که بتواند به مطالبه حقوق بازنشستگی پارتیزانهای فرانسوی پاسخ مثبت دهد. و به این ترتیب اختناق مسلحانه به عنوان عملیات پلیس داخلی و تروریسم دولتی یکمرتبه به جنگ تبدیل شد و از طرف دیگر، از این پس، در بخش عظیمی از دنیا، تروریستها به عنوان مبارزان راه آزادی و قهرمانان اسقلال ملی شناخته شده و می شوند. و اما، تروریسم گروههای مسلحی که تاسیس دولت اسرائیل و به رسمیت شناختن آن را تحمیل کردند، آیا ملی بود یا بین المللی؟ و همینطور گروههای مختلف فلسطینی امروز؟ یا ایرلندیها؟ یا افغانیهای که علیه شوروی می جنگیدند؟ و یا چچن ها؟» و در نهایت این سوال را مطرح می سازد که « از چه زمانی، تروریسمی میتواند به این عنوان دیگر تقبیح نشود و به مثابه تنها منبع و امکان مبارزه مشروع مورد ستایش قرار گیرد؟ یا برعکس! در کجا می توان مرز بین ملی و بین المللی را قرار داد؟ مرز بین پلیس و ارتش؛ مرز دخالت برای حفظ صلح و جنگ؛ فرق تروریسم و جنگ؛ مرز بین نظامیان و مردم غیر مسلح در سرزمینی و در

ساختارهایی که امکانات دفاعی یا حمله ای یک جامعه را تامین می کنند، در کجا است؟»

ترس عمده غربیها از چیز است که آن را تروریسم مذهبی می نامند که عنصر بنیادی حیات لیبرالی؛ حیات مارکسیستی و از همه ی اینها حیات اومانیستی را تهدید می کند. در حقیقت در تمام مبادی فکری و اعتقادی غیر مذهبی این امر پذیرفته شده است که با دست خالی هیچ کاری نمی توان کرد. این همان جایی است که تفاوت امیدواران و نا امیدان مشخص می شود. در اینجا است که یک مسلمان تمام دارایی خود را که حیات او و بنیاد تفکر لیبرالیسم غرب است بر سر میز بازی می آورد. این همان مسئله ایست که معادله ی غرب را بهم زده تا از هر شیوه ی ممکن اعم از تحقیر و تهدید و جنگهای دوازده ساله ی صلیبی برای از بین بردن این تضاد تلاش کند.

این که چرا تعریف دقیق و درست تروریسم مهم است به این نکته بر میگردد که نباید اجازه داد تلاشها انسان های مستضعف، مظلوم و مورد تهدید برای دفاع از خود به بهانه های واهی با تروریسم پیوند بخورد و در راه سرکوب او بکار گرفته شود در ضمن اینکه تروریست ها نیز نتوانند با خلط مبحث خود را از جنایاتی که انجام می دهند مبرا سازند و به مستکبران نیز نباید اجازه داده شود در بازی با کلمات و مفاهیم و مغالطه بدفاع و حمایت از جانیان تروریسم بپردازند.

تروریسم واژه ایست که امروزه با مفاهیم وسیع و مختلفی قرین شده است و این نتیجه از نوع شکل گیری و شکل کنشها و واکنش ها و نحوه ی تعامل نظام های انسانی با آن است.

تروریسم شکلی از مبانی فکری و عملی است که بر بر عملکرد ترور محور بنا یافته و نیل به اهدافش را از طریق ترور دنبال می کند.

اما تروریسمی که ما صدمه از آن دیده ایم را می توان دردناکترین و حیوانی ترین اشکال خشونت لجام گسیخته و جنایات کور دانست آن هم از سوی افراد ضعیف النفسی که سیر حیات آنها مملو از تنشها و تضادهاست.

تروریسم و جرائم سازمان یافته

استفاده از شیوه‌هایی مشابه شیوه‌های سازمانهای مجرمانه در برقراری ترس و وحشت عمومی یا در اجبار دیگران به سکوت بر مبنای تعاریف عام تروریسم اغلب برچسب تروریسم نمی‌خورند، اما زمانی که این رفتارها با اهداف سیاسی در هم آمیزند یا از یک گروه ذیل اهداف سیاسی صورت پذیرد آن زمان برچسب تروریسم بر این رفتارها خواهند نشست.^۱

ساندرو کالوانی نویسنده ی کتاب تهدیدی بر انسان و امنیت می نویسد «برخلاف آنچه که در باره اعمال تروریستی گفته می شود، این اقدامات کور و بی هدف نیستند، بلکه تروریست‌ها مانند اعضای سازمان‌های مجرمانه، معمولاً به صورت برنامه‌ریزی شده و هدفمند اقدام می‌کنند.^۲

حکیمها نویسنده ی مقاله ی مقایسه ی تروریسم با جرائم سازمان یافته نیز می نویسد «اگر چه در اغلب موارد افراد بی گناه [و نا مربوط به موضوعات مناقشه] آماج حملات تروریستی هستند اما اقدامات مزبور خواست تروریست‌ها است تا به هدف و خواسته ی خود در برابر حکومت یا اشخاص دیگر برسند.^۳

حکیمها همچنین بیان می‌دارد «مهمترین عاملی که متخصصان بخصوص جرم‌شناسان در بیان تفاوت اعمال تروریستی و جرائم سازمان یافته است انگیزه‌ی و داعی ارتکاب جرم است. به گفته‌ی آنان جرم سازمان یافته با هدف سود جویی است در حالیکه در انجام اعمال تروریستی انگیزه سیاسی یا ایدئولوژیک است. هدف آنها این است که حکومت‌ها را سرنگون کنند و برای کار کردن در نظام اجتماعی خاص دنبال فعالیت‌های خود هستند. بعلاوه ممکن است وجه دیگری از تمایز نیز در این بین مطرح باشد به این شکل که همواره این احتمال وجود دارد که حکومت‌ها با

^۱ حکیمی‌ها؛ سعید: مقایسه‌ی تروریسم با جرائم سازمان‌یافته

^۲ همان

^۳ همان

سازمان‌های تروریستی مذاکره کنند یا حتی شکلی از مشروعیت را به آنها اعطا کنند، یا گاهی با هم می‌جنگند و گاهی در آتش بس بر می‌برند اما در مورد سازمان‌های مجرمانه حکومت هرگز مذاکرات رسمی و سازمان با سازمان ندارد و هرگز احتمال اعطای مشروعیت به یک سازمان مجرمانه وجود ندارد. بعلاوه در ادامه ی این قیاس می‌توان گفت که تروریست‌ها اغلب علاقمند هستند که فعالیت‌هایشان تحت پوشش رسانه‌ای قرار گیرد در حالی که سازمان‌های مجرمانه علاقمند هستند که فعالیت‌هایشان پنهان بماند. بعلاوه شیوه فعالیت بنیادی سازمان‌های تروریستی خشونت محور است در حالی که سازمان‌های مجرمانه جز در زمان نیاز به خشونت متوسل نمی‌شوند. اعضای سازمان‌های تروریستی وقتی در مقام محاکمه به دادگاه یا زندان یا پای چوبه ی دار می‌روند به عملکرد و جنایات خود افتخار می‌کنند [در مورد تروریسم تروریسم و موارد مشابه این قضیه بعضاً صادق نیست] و چهره‌هایی حق به جانب بخود می‌گیرند اما اعضای سازمان‌های مجرمانه غیر از مواردی که استثناء است اغلب اعمال ارتكابی را منکر می‌شوند.^۱

تروریسم با بسیاری از فعالیت‌های مجرمانه‌ی فرا ملی نظیر قاچاق سلاح؛ انسان؛ مواد مخدر و پولشویی پیوند خورده است،^۲ که با تعریف شدن مشروعیت برای تامین اسلحه برای دفاع از خود و پنهان سازی منابع مالی در راستای جلوگیری از ضربه پذیری می‌توان حزب‌الله لبنان و موارد مشابه را از دایره ی تروریسم خارج کرد و بالطبع تامین‌کنندگان آن را نیز از گزند عواقب بعدی مصون گردانید.

سعید حکیم‌ها نویسنده این سوال را مطرح می‌کند تروریست‌ها که دارای انگیزه ی سیاسی یا ایدئولوژیک هستند هزینه های سنگین این عملیات را از چه منابعی تامین می‌کنند؟ و پاسخ می‌دهد که به غیر از گروه‌هایی که از پشتوانه مالی دولتهای حامی تروریسم استفاده می‌کنند مانند جندالله و القاعده که توسط سازمان اطلاعات پاکستان

^۱ همان

^۲ محمود جلالی: «تروریسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل با تأکید بر حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»

تامین می‌شوند یا سازمان خلق عرب که در سالهای پیش و اوایل انقلاب توسط حزب بعث عراق حمایت می‌شده یا سازمان مجاهدین خلق که بوسیله‌ی دولتهای اروپایی و آمریکایی حمایت می‌شود مابقی سازمانهای تروریستی برای تامین هزینه‌های خرید و ساخت اسلحه، مواد منفجره و وسایل حمل و نقل و پرداخت حقوق به نفرات و آموزش آنها یا آنکه دست به جرائم مالی مستقل بزنند یا در جرائم دیگران مشارکت جویند. برای مثال ارتش متحد «شان» در کلمبیا و سازمان «ام ۱۹» در کلمبیا و سازمان «راه درخشان» در پرو و نیز «طالبان» در افغانستان از سودی که از تجارت مواد مخدر به دست می‌آورند برای تامین هزینه‌های مبارزات شورشگرانه‌ی خود استفاده می‌کنند بدون این منبع در آمد قابل ملاحظه بسیاری از این قبیل گروهها توان فعالیت نخواهند داشت و به زودی منحل خواهند شد.^۱

علل تروریسم

یکی از علل گسترش روز افزون اشکال مختلف تروریسم در قرن حاضر این است که جنگ‌ها محدود شده‌اند. امروزه بنا به دلایل متعدد مردم جهان جنگ‌ها و لشگرکشی‌ها را به سادگی نمی‌پذیرند به علاوه جنگ مستقیم هزینه‌های بسیاری برای کشورها دارد؛ اما بنیاد تئوری‌های سیاسی غرب و شرق جنگ و خشونت را راهی برای نیل به اهداف و امتداد سیاست تعریف می‌کنند چنانکه رابرت ال. هلوی از طرحریزان کودتاهای مخملی و جنگ نرم بر این عقیده است که کودتا، حملات تروریستی؛ جنگ و حتی استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی همه ابزاری برای دستیابی به منابع هستند.^۲ و مائو می‌گوید می‌گوید «سیاست جنگ بدون خونریزی است و جنگ، سیاست همراه با خونریزی؛ ما طرفدار برچیدن بساط جنگ هستیم، اما بساط

^۱ حکیمی‌ها؛ سعید: مقایسه‌ی تروریسم با جرائم سازمان یافته

^۲ ۵۰ نکته‌ی اساسی در مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز: مرکز اقدامات و استراتژی‌های مسالمت‌آمیز

جنگ را با جنگ می توان بر چید و برای از بین بردن اسلحه باید مسلح شد.^۱ یا آنکه می گوید که «قدرت سیاسی از لوله ی تفنگ ها بر می آید.»^۲

چه اینکه منافع سیستم ها [شامل دولت ها و جوامع] گاه با هم در تعارض می آید باید به نحوی این تعارض مرتفع شود، اگر شد از راه مسالمت آمیز و اگر نشد راه خشونت همواره باز است تنها یک زبان است که مشترک بین تمام موجودات زنده است و همه آن را می فهمند و نیست جز «زبان بین المللی زور»!^۳

بنابراین باید راهی یافت و چه راهی بهتر از این که افرادی را به نیابت از خود به جنگ بفرستیم که باور کرده اند برای آزادی می جنگند و حاضرند جان خود را در این راه بدهند، به همین سادگی ایالات متحده و اسرائیل تروریست ها را علیه ایران بصف می کنند، القاعده ای که داعیه دار جنگ با اویند تقویت می کنند؛ تروریستها را در سوریه مسلح می کنند و بجان محور مقاومت می اندازند. بعد هم که تروریست ها نظامهای حاکم را سرنگون کردند نوبت به جنگ علیه ترور می رسد و آنوقت چه کسانی کلانتر دنیا هستند؟

البته دور از ذهن نماند که دو مسئله همچنان باقی است. یکی آنکه هنگامی که دولتها از تروریسم بعنوان یک ابزار استفاده می کنند نمی توانند انتظار داشته باشند که گروههای دیگر از این ابزار بی بهره بمانند و دوم اینکه هرکس در مقابل منافع باطل استعمارگران ایستاده از آنجا که اغلب راهی جز خشونت برای او باقی نگذاشته اند به سرعت موفق به دریافت نشان تروریسم می گردد.

تروریسم سابقه ای طولانی در تاریخ بشر دارد. همواره در تمام جوامع تروریسم وجود داشته است^۴ و تفاوت اشکال و مبادی اجرایی آن از روش ها و ابزارها سرچشمه

^۱ همان

^۲ همان

^۳ همان

^۴ شاید بتوان مشهورترین اشکال تاریخی تروریسم را زیلوتها ی یهودی و داروسازان پیرو حسن صباح دانست.

می‌گرفته. و می‌توان گفت هر چه که از رهگذر توسعه‌ی جهانی ابزار بهتری بدست آنها رسیده است شدت آسیب‌هایی که به جوامع وارد کرده‌اند نیز بیشتر و دردناکتر شده است.

از معروفترین گروه‌های تاریخی که شیوه‌ی ترور را در پیش گرفتند عبارتند از زیلوت‌ها^۱، آمازونها^۲، حشاشینها^۳ و گروه‌های بسیار دیگری که نامشان در کتب تاریخ مضبوط است. امروزه گروه‌های زیادی مشی حرکت خشونت‌بار و مسلحانه را به کار می‌گیرند و هر جامعه‌ای بسته به مقتضیات و منافع خود برخی را تروریست می‌خواند. اما اسلام هرگز مبارزه‌ی مسلحانه را نفی نکرده بلکه در آیات و روایات مختلف این اجازه را به ایشان داده که در دفاع از خود یا احقاق حقوق خود دست بسلاح ببرند.

بخشی از تروریسم بعلت عدم توانایی هضم آسیب در سلسله مراتب دفاع در جوامع است که به این واسطه سیستم مجبور است تهدید را پیش از عمل مرتفع و خنثی سازد. سیاست اصلی دو رژیم پادشاهی بریتانیا و رژیم صهیونیستی بعلت ضعف

^۱ آنها دسته از دلاوران یهود بودند که به قتل و غارت می‌پرداختند شیوه‌ی عمل و اهداف آنها از ابهامات تاریخ فرزندان اسحاق(ع) است و لیکن ادعاهای فراوانی در باره‌ی این گروه وجود دارد و حتی ادعا می‌شود این گروه نسل به نسل مخفیانه به کار خود ادامه داده و امروزه نیز نوادگان زیلوت‌های اولیه این گروه را اداره می‌کنند - نقل از وبسایت آنتی فراماسون

^۲ آمازون‌ها گروهی از زنان دلاور و سلحشور بودند که حکومت زنان را بنیان نهادند؛ منقول است که از رسوم آنها این بوده که تنها برای زاد و ولد از مردان استفاده می‌کردند و پس از آبدستی مردان نگویند بخت را رهسپار دیار نیستی می‌کردند، و نیز گفته می‌شود که این زنان سینه‌های خود را می‌بریدند تا مانع از رزمشان نشود در مورد این گروه نیز افسانه‌های حماسی، تاریخی و جادویی بسیاری آورده‌اند و لیکن به مثابه تمام بحث‌های تاریخی هاله‌ای از ابهام آن را در بر گرفته است.

^۳ مزدوران اسماعیلیه تحت امر حسن الصباح مقیم در قلعه‌ی کوهستانی الموت که گستره‌ی عملی به وسعت ممالک اسلامی داشته‌اند و افسانه‌های شگرفی در رابطه با توانایی، مهارت و شجاعت و اقدامات فرقه‌ی قاتلین حسن الصباح بوجود آمده است که دقیقاً مبدا آنها قابل تشخیص نمی‌باشد. گفتنی است امام اسماعیلیه امروزه در اروپا زندگی و در دانشگاه‌های اروپا تحصیلی کرده است.

ژئوپولیتیکی و عدم توانایی هضم آسیب با اقدام پیشدستانه و بشکل تهاجمی به رفع تهدید می پردازند در این شیوه عملکرد برون سیستمی و برون مرزی یک اولویت محسوب می شود. رژیم صهیونیستی عملیات های ترور نظیر ترور رنتیسی، یاسین، عرفات و دانشمندان هسته ای مصر، عراق، سوریه و ایران را در ذیل همین راهبرد قلمداد می کند. ناتوانی در عملکرد قانونی از ویژگی های این شیوه ی دفاع است.

اقدامات پیشدستانه در حوزه ی امنیت نظامی که وجه غالب این قبیل اقدامات است در گذشته با حمله های بزرگ، لشکر کشی، تغییر حکومت، گروگان گیری از حکومت تهدیدگر یا... اجرا می شد اما امروزه بنا به دلایل مختلف از جمله فشار افکار عمومی و هزینه اغلب این اقدامات در سطح تحریم؛ عملیات های شبه تروریستی؛ تروریستی؛ عملیات های خرابکارانه؛ هدف قراردادن بسترهای زیربنای حیاتی؛ حمایت از زیر سیستم های متعارض و بعضا لشکر کشی صورت می پذیرد.^۱

روزنامه انگلیسی زبان ایندپندنت در مقاله ای تحت عنوان «کشنده ترین ترورکنندگان جهان» از موساد با نام «ماشین قاتلی رحم اسرائیل» نام برده است و با برشمردن ترورهای مسعود علی محمدی، مجید شهریاری و فریدون عباسی^۲ گفته است که «در همه این ترورها امضای سرویس مخفی اسرائیل دیده می شود».^۳ برخی منابع نیز به نقل از سرویسهای اطلاعاتی غربی قتل مشکوک دیگر دانشمندهسته ای ایرانی اردشیر حسن پور در تابستان ۲۰۰۷ را نیز به موساد نسبت داده اند.^۴

در ۲۱ دی ماه ۱۳۹۰ و پس از ترور مصطفی احمدی روشن مسئول بازرگانی سایت نطنز که در سالگرد ترور مسعود علی محمدی استاد فیزیک ایرانی صورت گرفت،

^۱ کیهان - ۱۸ بهمن ۱۳۹۱ - گزارش: اشغال عراق؛ نبرد بی فایده

^۲ البته نکته ی لازم ذکر این است که مدت ها پیش از ترور دانشمندان هسته ای تهدیدات مختلف از جمله دسته گل هایی همراه با نامه های تهدید آمیز برای ایشان ارسال می شده که این شیوه در مورد سازمان های اطلاعاتی غربی عجیب به نظر می رسد و چندان مسبوق به سابقه نیست لیکن در ایران شناخته شده است.

^۳ مقالات سیاسی: پایگاه اینترنتی looti.net

^۴ همان

صفرعلی براتلو دبیر شورای تأمین استان تهران ترور را منسوب به صهیونیست‌ها دانست. به دنبال این ترور، مقامات رسمی آمریکا و انگلیس این ترور را محکوم کردند. ولی سخنگوی ارتش اسرائیل در این باره گفت "ما برای این قتل اشکی نمی‌ریزیم". روزنامه فیگارو، به نقل از برخی مقامات عراقی نوشت، دولت اسرائیل برخی از مخالفان دولت ایران را برای چنین بمب‌گذاری‌های در کردستان عراق گرد هم آورده است. به نوشته واشنگتن پست، فرمانده ارتش اسرائیل، روز قبل از این حمله گفته بود، سال ۲۰۱۲ سالی بحرانی برای ایران خواهد بود و اتفاقاتی غیر طبیعی برای این کشور رخ خواهد داد.^۱

شبکه ان بی سی نیوز به نقل از یک مقام آمریکایی، بدون فاش کردن هویت او، نوشت که حملات علیه دست اندرکاران برنامه اتمی ایران توسط اعضای سازمان مجاهدین خلق و با حمایت مالی، آموزشی و تسلیحاتی سرویس اطلاعاتی اسرائیل انجام شده است. مقام آمریکایی مذکور به ان بی سی گفته است که دولت آمریکا از عملیات ترور مطلع است، اما نقشی در آن ندارد.^۲

اسرائیل بیشترین سوابق را در ترور هدفمند رهبران مخالف [فلسطینیان] داراست. بسیاری از رهبران سازمانهای فلسطینی همچون جهاد اسلامی و حماس توسط دستگاههای امنیتی اسرائیل ترور شده‌اند. دادگاه عالی اسرائیل ترورهای هدفمند را توجیه و آن را در مقابل عملیات‌های انتحاری فلسطینیان تایید کرد. ترورهای هدفمند اسرائیل با واکنش جامعه جهانی مواجه گردیده اما اسرائیل همواره با جنگ رسانه‌ای بر تروریسم نهادینه شده در ساختار خود را پنهان ساخته است.^۳

از این گذشته شکلی از تروریسم را با نام تروریسم بنیادگرایان اسلامی می‌شناسیم - تروریسمی که از سوی اهل سنت افراطی شکل گرفته و قربانی اصلی آن افراد بی

^۱ همان

^۲ همان

^۳ تارنمای LOOTI.NET

دفاع هستند - که دکتر محقر استادیار دانشگاه فردوسی مدعی است که «مدرنیته با ورود به جوامع اسلامی با ایجاد حس نوستالوژی (حس حسرت دوران گذشته) در جهان اسلام شده که سبب انگیزش این جوامع برای احیای اسلام اصیل و بازگشت به دوران طلایی اسلام به عنوان آلترنیتیو مدرنیته ی غربی شده است».^۱

و دکتر فراطی محقق بیان می دارد که فرض را بر آن می دارد که «از سویی ترکیب مذهب وهابیت [به نحوی اغلب اهل سنت آمادگی آن را دارند] با اندیشه های سید قطب^۲ و تفسیر افراطی از مفهوم جهاد در اسلام^۳ (به عنوان عوامل ذهنی) و از سوی دیگر وقوع انقلاب اسلامی ایران و اشغال افغانستان در سال ۱۹۷۹ (به عوامل عینی) نیز در شکل گیری این سازمان نقش کلیدی داشته است. به عبارت دیگر ترکیب اندیشه های سید قطب، مذهب وهابیت و تفسیر افراطی از واژه ی جهاد در واکنش به انقلاب اسلامی ایران و همچنین اشغال افغانستان توسط شوروی، مذهب جدیدی را بوجود آورده است که از آن به «نو وهابیسیم» تعبیر می شود و نمونه ی بارز آن سازمان القاعده^۴ است».^۵

^۱ بررسی رابطه ی مدرنیته و بنیاد گرایی اسلامی بر مبنای مفهوم نوستالوژی

^۲ نویسنده ی کتابهایی چون مرزهای اسلام بترجمه ی سید علی خامنه ای و دلایل عقب ماندگی شرق از غرب
^۳ این مفهوم افراطی بر مبنای تفکر صحابه محور علمای اهل سنت از رفتارهای افرادی چون خالد بن ولید؛ معاویه بن ابوسفیان و... شکل گرفته و نیز احادیث نامفهومی که در باره ی جنایات غیرقابل باور از سوی نبی اکرم (ص) در کتب ایشان داخل شده این تفکر را تشدید کرده.

^۴ القاعده در سال ۱۹۸۸ توسط مجاهدین افغانی وابسته به سازمات «مکتب الخدمه للمجاهدین العرب» که از عربستان سعودی و با هدف خدمت رسانی به مجاهدین افغان تغذیه می شد به وجود و بعدتر یک شبکه ی بین المللی تروریستی بوجود آورد که تا چندی پیش توسط مامور سازمان سیا تیمی عثمان مشهور به بن لادن مدیریت می شد و پس از مرگ موهوم وی توسط جانشین وی مدیریت می شود. این سازمان در بیش از ۵۵ کشور جهان فعال است و اعضای آن به جز تعدادی که جاسوس سازمانهای اطلاعاتی غربی هستند همه سنی مذهب هستند. شاخه ی رزم بیابان این سازمان اخیرا ایران را بعنوان یک هدف مهم برای خود مطرح کرده است.

^۵ القاعده یا شاخه ی افغانستان آن طالبان تنها یک نمونه ی این تفکر است و گروه های تروریستی زیادی از این رهگذر در سرتاسر فعال شده اند.

^۶ فراتی، عبدالوهاب؛ اسلام سیاسی و القاعده

به نحوی می توان گفت تجربه ی جنگ افغانستان مجاهدین عرب-افغان را رادیکالیزه کرد. این گروه از میان افراطیون مسلمان (فقط اهل سنت) و در سال ۱۹۸۲ توسط رهبران سه سازمان جاسوسی «سیا»، «اینتلیجنت سرویس» و «آی.اس.آی» به وجود آمد. [...] وظیفه ی گردآوری این افراد بر عهده ی جمعیت علمای [اهل سنت] پاکستان نهاده شد. اخوان المسلمین در خاورمیانه، مجمع جهانی اسلام -مستقر در عربستان سعودی- و برخی گروههای جهادی فلسطینی جزو نخستین اعضای این سازمان بودند. سرمایه ی لازم نیز بوسیله ی آژانس اطلاعاتی عربستان و بخشی نیز بر عهده ی امارات عربی متحده گذاشته شد، تدارکات و آموزش های لازم هم به واسطه ی سازمان اطلاعات پاکستان [از طریق سازمان سیا] تامین می شود.^۱

تروریسم دولتی

در این شکی نیست، گرایش دولت بر این است که با تهدید، به طور مشخص، خشونت را به انحصار خود در آورد. ولی تاریخ سیاسی کلمه ی تروریسم از مراجعه به تروریسم انقلابی فرانسوی ناشی شده است، تروری که به نام دولت اعمال شد و دقیقاً با این فرض که انحصار مشروع خشونت از آن او است.

باید توجه داشت که گسترش روز افزون این پدیده اساساً ریشه در سیاست های کلان برخی دولت ها دارد که منافع خود را در استعمار و سلطه بر دیگر کشورها تعریف کرده اند.^۲ اگر از منظر پشتوانه و منشاء گروه های تروریستی و منابع حمایتی به مطالعه پدیده تروریسم پردازیم؛ در خواهیم یافت که اغلب مجموعه های جنایتکاری که علیه ملت ها اسلحه می کشند از پایگاه اجتماعی مردمی برخوردار نیستند و منابع

^۱ جباری، علیرضا؛ افغانستان از نگاهی دیگر

^۲ تروریسم دولتی را بهتر بشناسیم: ارتش خصوصی آمریکا با ابزار گروهک های تروریستی

درآمدی روشنی در اختیار ندارند. پس این سوال مطرح می‌شود که منشاء تامین مالی و تسلیحاتی آن‌ها کجاست؟^۱

هر گونه عمل حکومت‌ها و دولت‌های گوناگون که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم منجر به حمایت و سازماندهی اقدامات و فعالیت‌های جنایتکارانه، خشونت بار و تروریستی در کشورهای دیگر گردد را تروریسم دولتی می‌نامند. و در همین رابطه و برای مبارزه با این پدیده قوانین حقوقی و بین‌المللی تعریف شده که بر دو اصل مهم تاکید دارند:^۲

۱. دولت‌ها وظیفه دارند از اعمال تروریستی علیه کشور دیگر یا علیه اشخاص بی گناه جلوگیری کنند.

۲. دولت‌ها متعهد هستند که در امر پیش‌گیری و مبارزه با تروریسم و همچنین مجازات تروریست‌ها با یک‌دیگر همکاری کنند.

مطابق با این تعریف برخی از کشورهای غربی و در راس همه آن‌ها ایالات متحده آمریکا که اتفاقاً داعیه مبارزه با تروریسم را دارند، مصداق تروریسم دولتی قرار می‌گیرند و باید گفت که هم‌سویی اعجاب‌انگیز اهداف بسیاری از گروه‌های تروریستی با سیاست‌های کلان ایالات متحده اتفاقی نبوده است و این واقعیت علاوه بر صدها دلیل روشن دیگر از نشانه‌های نقش پررنگ آمریکا در تولید و پرورش تروریسم در جهت پیگیری سیاست‌های دولتی‌اش می‌باشد.^۳

همان‌طور که اشاره شد یکی از دلایل روشن نقش دولت آمریکا در برخی اقدامات تروریستی، جهت‌گیری گروه‌های تروریستی در مسیر سیاست‌های این کشور است. به عبارت دقیق‌تر بسیاری از گروه‌های فعال تروریستی، مشغول جنایت و خراب‌کاری

^۱ همان

^۲ تارنمای TABNAK.IR

^۳ همان

علیه کشورهای هستند که در مناقشات سیاسی و بین‌المللی مقابل سیاست‌های دولت آمریکا قرار گرفته‌اند. رسانه‌های وابسته به این گروهک‌ها نیز پیوسته در حال انتشار انعکاسی واضح از خواسته‌های دولت آمریکا در قبال کشورهای هدف هستند و بالاخره مشاهده می‌شود که سازمان‌های تروریستی در همین راستا با شخصیت‌های سیاسی و چهره‌های برجسته آمریکایی به صورت با واسطه یا بی واسطه ارتباط‌های تنگاتنگی دارند.^۱

روشن است که فلسفه این نوع ارتباطات و حمایت‌های مادی و معنوی آمریکا از گروهک‌های تروریستی، این است که دولت آمریکا از تروریست‌ها در جهت پیش‌برد اهداف خود استفاده ابزاری می‌کند. اما دو نکته مهم در این روش وجود دارد؛ نخست این که این سیاست تنها مختص کشور آمریکا نیست و بسیاری از قدرت‌های غربی و از جمله رژیم غاصب صهیونیستی به این روش متوسل می‌شوند. و دیگر این که کشورهای غربی زمانی به این روش دست می‌زنند که در روش‌های قانونی، رایزنی‌های سیاسی و حتی اعمال فشارهای بین‌المللی به بن بست رسیده باشند، که این روش نشانه ضعف و استیصال آن‌ها است.^۲

از منظر تشکیل و تشویق تروریسم شکلی از تروریسم مطرح است اما شکل دیگری که همواره مهجور می‌ماند آن چیزی است که ایالات متحده به جهان قرن بیست و یکم تحمیل کرده است که عبارت است از نخست لشکرکشی‌های ایالات متحده که مشروعیت و وجاهت قانونی ندارد و اگر به فرض هم بنا به خواست مردم این کشور ها بوده و مشروعیت خویش را از این خواست کسب کرده ادامه ی حضور نظامی و اشغال علاوه بر آنکه هم بر مبنای اهداف سیاسی است و هم سبب وحشت عمومی

^۱ همان

^۲ همان

مردمی است و حضور سربازان در پایگاه های مختلف نظامی ایالات متحده در سراسر جهان به نحوی تروریسم است.^۱

در کتاب فرهنگ علوم سیاسی^۲ آمده است:

«تروریسم دولتی (State Terrorisme) نیز اصطلاحی است مشعر به دخالت دولت یا دولت هایی در امور داخلی و یا خارجی دولتی دیگر؛ که به منظور ایجاد رعب و وحشت، از طریق اجرا و یا مشارکت در عملیات تروریستی، و یا حمایت از عملیات نظامی، به منظور زوال، تضعیف، و براندازی دولت مذکور و یا دستگاه رهبری آن صورت می گیرد.



^۱ همان

^۲ نوشته ی علی آقا بخشی



– سه نمونه از حمایت های ایالات متحده از تروریسم تصویر بالا: صبرا و شتیلا و تصویر

پایین؛ تروریستهای سوری



انواع تروریسم

- آقای نانس تروریستها را بشکل زیر تقسیم نموده است:^۱
- کلاس نخست: تروریستهای حرفه ای که توسط دولت ها تجهیز و آموزش داده می شوند.^۲

^۱ ۱۲۸

^۲ نام برده در مقاله ی خود سازمانی ذیل عنوان «پاسداران انقلاب» را تحت حمایت IRGC (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) با حوزه ی عمل بین المللی تعریف کرده و ذیل کلاس نخست تروریستها معرفی می نماید.

- ۲۲ تا ۵۰ ساله
 - دارای تحصیلات عالی و آموزشهای جاسوسی و خرابکاری و ترور
 - کلاس دوم: تندروهای مذهبی^۱ حرفه ای.
 - سران بین ۱۸ تا ۴۵
 - عاملین بین ۵ تا ۸۰ (مذکر یا مونث؛ عاقل یا غیر عاقل)
 - تحصیلات پایه و گاه عالی
 - اغلب بدون سابقه جزائی و کیفری
 - کلاس سوم: انقلابی‌ها رادیکال یا تندروهای شبه مذهبی
 - از ۲۰ تا ۵۰ سال و از بیسواد تا دانشگاهی
 - کلاس چهارم سربازان رزم نامنظم یا سربازان مزدور
 - ۱۰ تا ۵۰ ساله و بیسواد و کم سواد
 - کلاس پنجم: تازه کارها (شامل شهروندان؛ بزهکاران آموزش ندیده، پارتیزان های شبه نظامی)
 - از ۱۰ تا ۶۰ ساله و کم سواد و بی سواد
- مشاور ناظر بر اجرای قوانین در ایالات متحده در ۱۹۷۵ در مجموعه ای از دستور العمل ها ذیل عنوان اغتشاشگری و تروریسم تروریسم را به شش شاخه تقسیم کرده:
- **اغتشاشات شهروندی:** شکلی از تجمع خشونت آمیز که طغیان علیه صلح؛ امنیت و فعالیت های معمول اجتماعی محسوب شود. این تقسیم بندی به دولت ایالات متحده این اجازه را می دهد که با تروریست قلمداد کردن شهروندانش از قوای قهریه علیه آنها استفاده کند چنانکه می بینیم در جریان یک جنبش مردمی ارتش ایالات متحده وارد عمل می شود و تفنگداران دریایی و تانکهایش را به مقابل مردم می فرستد تا مردم با گلوله ی زرهپوشها از بین بروند.

^۱ The Religious Extremist Professionals

- **تروریسم سیاسی:** جرائم خشونت بار که طرح شده اند تا ببع منظور دست یابی به اهداف سیاسی ابتدائاً در جامعه یا بخشی از آن وحشت پیا کنند.
- **تروریسم غیر سیاسی:** شکلی از تروریسم که در آن اهداف سیاسی مد نظر نیستند اما اعمالی هستند که طرح می شوند تا با اهداف قهر آمیز درجه ی بالایی از وحشت را در جامعه ایجاد و تثبیت کنند. اما در پایان آن منافع شخصی یا جمعی از طرق سیاسی حاصل می شود.
- **شبه تروریسم:** فعالیتهایی که به مجموعه های جنایی خشن وابسته باشد که مشابهت شکلی یا شیوه ای با تروریسم واقعی داشته باشد لیکن عواملی در آن کم است تا بتوان آن را تروریسم نامید. در شبه تروریسم هدف اصلی مانند تروریسم واقعی وحشت آفرینی در قربانیان بلافضل مطرح نیست اما بهر روی در شبه تروریسم از فرآیندها^۱ و تکنیک های تروریسم واقعی استفاده می شود. و صد البته که نتایج و واکنش های مشابهی را نیز در بر دارد. برای مثال فلون کسی بود که در یک اقدام شبه تروریستی دست به گروگان گیری زد و از شیوه هایی استفاده کرد که تروریست های واقعی استفاده می کنند اما با اهدافی کاملاً متفاوت (غیر سیاسی).
- **تروریسم سیاسی محدود:** تروریسم سیاسی واقعی به وسیله ی خط مشی های انقلابی شخصیت پیدا کرده؛ در حالیکه تروریسم سیاسی محدود در اشاره به اعمال تروریستی به کار می رود که در راه نیل به اهداف ایدئولوژیک یا انگیزه های سیاسی صورت می گیرد باستثناء اینکه بخشی از یک طرح گسترده برای بدست گیری کنترل دولت نیست.
- **تروریسم حاکمان و تروریسم دولتی:** اشاره به مللی دارد که قانونشان بر وحشت و فشار بنا شده که به نحوی تروریسم و یا قرینه ی آن محسوب می شود. بعلاوه این شاخه از تروریسم را می توان در تروریسم ساختارمند به کار برد که در آن

^۱ modalities

اعمالی که تروریستی محسوب می شوند از جانب دولت ها در راه اهداف سیاسی و اغلب به صورت بخشی از امنیت خارجی آنها صورت پذیرند. این تقسیم بندی اگر چه کامل به نظر می رسد اما عملا با عدم ارائه ی تعریف واضح از تروریسم بلا استفاده خواهد بود. بعلاوه می بینیم که مطابق تعریف تروریسم دولتی اعمالی که ایالات متحده ذیل عنوان عوام فریب جنگ علیه ترور صورت می دهد خود عملا شکلی از تروریسم دولتی محسوب می شود و در مورد رژیم اشغالگر قدس نیز مشابه آن صادق است چه اینکه حتی در خارج از مرزهای خود اقدام به ترور مخالفین می کند و با گستاخی تمام آن را اعلام نیز می کند. کتاب تروریسم و امنیت سرزمینی^۱ در تقسیم بندی تروریسم شکل زیر را مطرح می کند:

- تروریسم سیاسی
 - تروریسم زیر مجموعه ی ملت
 - تروریسم جدایی طلبان و ملی گرایان
 - تروریسم افراطیون مذهبی
 - تروریسم بنیاد گرایان مذهبی
 - تروریسم ادیان جدید
 - تروریسم راست گراها
 - تروریسم چپ گراها
 - تروریسم فرد محور
 - تروریسم تحت حمایت دولت
 - تروریسم دولتی یا رژیمی
 - تروریسم مجرمانه

^۱ Terrorism and homeland security: an introduction with applications, by Philip P. Purpura, Butterworth-Heinemann, 2007, ISBN 0-7506-7843-7, p. 16

سوالات اساسی در مقابله با تروریسم

مالکوم دابلیو نانس صاحب نظر در امور تروریسم میگوید کسانی که برای مبارزه با تروریست ها آماده می شوند باید برای سوالات زیر پاسخ داشته باشند:^۱

- چه کسی / کسانی یک تهدید را شکل می دهد / دهند؟
- این افراد از چه راههایی برای وارد آوردن آسیب استفاده می کنند؟
- چگونه این تهدیدات عملی می شوند و حملات چگونه شکل می گیرند؟
- از همه مهمتر اینکه در زمان بروز این حملات چه اقداماتی باید صورت پذیرد تا صدمات مهار شود.

وی همچنین می افزاید که باید سازمانهای اطلاعاتی را به نحوی سازمان داد که بتوانند دریابند:^۲

- توان تروریستها در چه سطحی از کم و کیف است؟
- شیوه ی عمل آنها در سطح خیابان را بفهمد و طراحی شیوه ی پاسخگویی در سطح درگیری خیابانی را بنماید.
- منابع اطلاعاتی تروریستها را پوشش کرده و بیاید.
- منابع تامین مالی و تسلیحاتی تروریستها را بیابد.
- بداند حداکثر توان تروریست ها (حمله همه جانبه) چه میزان جدی و چه میزان آسیب زاست؟

- وی می گوید دکترین دفاعی ایالات متحده بر ۳دال (3D) استوار است که عبارت است از: شناختن (DETECT)؛ تحذیر (DETER) و دفاع (DEFEND) استوار است.
- عمده و مشهود ترین اقدامات دولت ها در مقابله با تروریسم در تشکیل نیروهای ویژه یا تخصیص بخشی از قوای قهریه ی موجود به شکل تخصصی در این موضوع

^۱ Terrorists Recognition Hand Book:34

^۲ Terrorists Recognition Hand Book:37

^۳ Terrorists Recognition Hand Book:50

است. در این بین بعضی دولت‌ها مانند ایران با هزینه در مناطق تروریست‌خیز مانند مناطق محروم سنی نشین نظیر سیستان یا بخش‌هایی از استان کردستان سعی در بهبود اوضاع معیشتی مردم ضمن آشنایی آنها با حکومت مرکزی و رفع عقاید تنش‌آفرین می‌کند.

- در کل با مسدود کردن منابع مالی تروریست‌ها تا حدود زیادی می‌توان فعالیت‌های آنها را تحدید یا آن را بتاخیر انداخت.

ما می‌دانیم که اگر مواردی مانند انقلاب جنگل، عملیات‌های حزب الله و... را تروریسم بنامیم که مطابق تعاریف مطرح تروریسم تا حدودی هم صحیح به نظر می‌رسند علاوه بر این که مرتکب جنایت علیه آزادی شده ایم و حقی از مظلوم ضایع کرده ایم سه را بیشتر نداریم یا باید اجازه دهیم که این واژه که امروزه بار معنایی منفی و شرم آور بخود گرفته هزینه بر آزادیخواهان و مستضعفان جهان تحمیل کند یا آنکه تروریسم را به شکل خوب و بد از هم جدا کنیم که این امر برای خود ما هزینه آفرین خواهد بود و یا آنکه تروریسم را بنحوی تعریف کنیم که آزادیخواهان و ظلم‌ستیزان قربانی منافع ابر قدرت‌ها نشوند.^۱

منابع تامین تروریسم

هرگز نباید انتظار داشت این سوال که چه کسانی تروریست‌ها را تامین می‌کنند پاسخی آسان و واضح داشته باشد اما می‌توان در این باره حدت‌هایی زد و اطلاعات محدودی نیز در این باره وجود دارد.

^۱ دکتر محمد ارغنون: سخنرانی ۲۰۰۵ لبنان

منابع مالی

بخش اعظمی از منابع تروریسم از سوی دولت‌ها تامین می‌شود، بزرگترین دولت‌های تامین‌کننده‌ی تروریسم ایالات متحده، عربستان سعودی و پاکستان هستند. ضمن اینکه غربی‌های با ادعای اینکه سازمانهایی چون حزب ا...، حماس، ارتش المهدی و نظایر آن سازمان‌های تروریستی هستند ایران را نیز در این دایره بر می‌شمرند.

از این‌ها گذشته می‌بینیم که در جریان جنگ سوریه کشورهای بسیاری از شرق و غرب به تامین تروریسم شتافته‌اند، در میان مخالفین دولت سوریه که از سوی غرب و اعراب حمایت می‌شوند سازمان‌هایی هستند که مستقیماً با القاعده ارتباط دارند و این سوال بزرگی است که آیا جنگ علیه ترور پایان یافته یا از همان ابتدا جنگ تروریسم علیه ملت‌ها بوده؟ ایالات متحده در قالب تروریسم واقعی و با نام دموکراسی بیش از یک میلیون انسان بی‌دفاع را در عراق به کام مرگ کشانده، راه تجاوز به زنان و کودکان را برای سربازان و تروریست‌ها گشوده و انواع غارت را در باره‌ی ملت عراق به اجرا گذاشته.^۱

نیروی انسانی

اغلب تروریست‌ها برای جذب نیرو و ترغیب آنها به انجام سفاکانه‌ترین جنایات علیه مردم بی‌دفاع مجبورند اولاً با یک سلسله اطلاعات غلط و دروغ‌های بهم پیوسته به فرد شکلی از شستشوی مغزی را علیه او پیاده کنند و در ضمن این که از او سوء استفاده می‌کنند برای آنکه جلوی بازگشت او را بگیرند با تراشیدن اهداف پوچ؛ ارباب نسبت به عواقب جدایی از مجموعه و ایجاد وابستگی‌های مصنوعی به سازمان شست‌شوی مغزی فرد را با شدت و حدت پی می‌گیرند.

^۱ مقالات تارنمای تابناک

این که این افراد از کجا می آیند و اقامت می توان گفت از همه جا؛ در میان تروریست های سوری افرادی از عربستان، مناطق قفقاز؛ اتباع غربی، حتی از چین و بسیاری جاهای دیگر دیده می شود. اما در کل می توان گفت که شاید نتوان هیچ وجه مشترکی بین تروریست ها یافت به جز آنکه گرد یک هدف به هم پیوند خورده اند. اما اغلب افراد سطوح پایین جامعه از لحاظ مالی و علمی هستند که با پرسیدن چراهای بسیار از شرایط نامطلوب خود آماده گرفتن پاسخ به شیوه های خشن شده اند و با دعوت از سوی نهاد های تروریستی به آنها می پیوندند. جز این تروریست ها هرگز تعهدی به اصول اخلاقی ندارند و چنانکه شاهد بوده ایم وهابی ها در کشور های مختلف از کودکان و معلولان ذهنی نیز برای اقدامات تروریستی استفاده کرده اند.^۱

منابع دانش و آموزش

در دوران جنگ سرد سیاست های بازدارنده ی دو قطب قدرت جهان بر مبنای تهدید بوسیله ی سلاح های هسته ای بعلاوه جنگ های نیابتی؛ عملیات های مخفی نظامی و اطلاعاتی و خرابکاری و نفوذ بنا یافته بود.^۲

متأسفانه بعد از جنگ سرد به دو علت هرج و مرج ناشی از ضعف حکومت کمونیستی و آزادی های معکوس اجتماعی در ایالات متحده بخش های زیادی از آموزش هایی که در جنگ سرد برای آموزش سربازان جنگ های نیابتی آماده شده بود به دست افراد نادرست افتاد انتشار و تکمیل این آموزش ها امروزه دامنه ای گسترده از آموزه های هولناک را به رایگان و به سادگی در دسترس همگان قرار داده است؛ بعنوان مثال ناشرانی مثل انتشارات شوالیه^۳؛ انتشارات صحرا^۴ و بنسون^۱ دست به انتشار

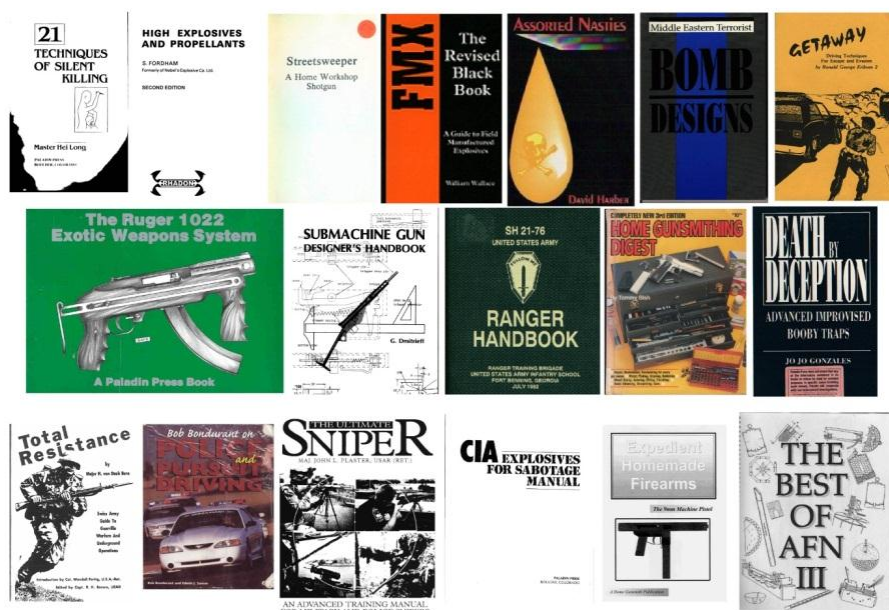
^۱ مقاله ی تروریسم در خاور میانه؛ تارنمای تابناک

^۲ اسناد لانه ی جاسوسی - احزاب سیاسی ایران - مقدمه

^۳ PALADIN PRESS

^۴ DESERT PUBLICATIONS

کتبی زدند که به آموزش شیوه های آسان برای تهیه ی انواع سلاح؛ مهمات و مواد منفجره و نیز شیوه های رزم و موارد مشابه نمودند که امروزه نسخه های الکترونیک آن به سادگی قابل دانلود است. تعداد بسیار زیادی از افراد نامعلوم نیز این آموزه ها را بسط و گسترش دادند چنانکه امروزه اگر تروریست ها فقط به زبان انگلیسی تسلط داشته باشند و پول کافی بدست آورند؛ می توانند هر چیزی را که نیاز دارند حتی بمب اتم بصورت خودکفا و در کارگاههای زیر زمینی تهیه کنند.^۲



بعلاوه دولت آمریکا به گونه ای کاملاً بی پروا اقدام به ارائه آموزش های نظامی به اعضای سازمان های تروریستی می کند. یکی از نمونه هایی که تابحال فاش شده، آموزش تفنگداران دریایی ایالات متحده به اعضای گروهک تروریستی منافقین در صحرای نوادا و پس از آن در نگزاس است تا اعضای این گروهک برای اقدامات

^۱ RAGNAR BENSON

^۲ نغنه، احمد؛ تروریسم امروز

تروریستی احتمالی علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و اهداف آمریکا در عراق آماده شوند. آموزش به نیروهای گروهک پژاک که وظیفه ناامن سازی مرزهای شرقی ایران از طریق راه اندازی غائله‌های قومی و اقدامات مسلحانه را برعهده دارند نیز از نمونه‌های دیگر حمایت آمریکا از گروه‌های تروریستی از طریق ارائه آموزش‌های نظامی است.

علاوه بر این، مدارس آموزش نظامی نیز از سال‌ها پیش در ایالات متحده وجود دارد و به صورت رسمی به پرورش تروریسم کمک می‌کند که یکی از این مراکز به واسطه آمار بالای جرائم ضد انسانی دانش آموختگانش در میان خود رسانه‌های آمریکایی که خواهان تعطیلی این گونه مراکز هستند، به نام‌هایی همچون «مرکز آموزش و ترویج تروریسم آمریکا»، «اردوگاه ترورآموزی» و «حیاط خلوت تروریسم آمریکا» معروف شده است!

تاکنون بدنام ترین شکنجه گران، قتل عام کنندگان، دیکتاتورها و تروریست های دولتی در این مدرسه آموزش دیده‌اند. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۳، کمیسیون حقیقت یاب سازمان ملل متحد در پرونده کشور «السالوادور»، اسامی آن دسته از افسران ارتش که مرتکب بیشترین جنایت های جنگی در جنگ های داخلی شده بودند را منتشر کرد که مطابق آن معلوم شد دو سوم این افسران، فارغ التحصیلان این مرکز آموزشی هستند!

در سال ۱۹۹۶ دولت آمریکا تحت فشار قرار گرفت و مجبور شد هفت جزوه آموزشی این مرکز را منتشر کند. به استناد مقاله ای که در روزنامه نیویورک تایمز مورخ ۶ اکتبر ۱۹۹۶ انتشار یافت، در این جزوه های آموزشی علاوه بر ارائه انواع آموزش ها و راهنمایی ها در خصوص انجام اقدامات تروریستی، باج گیری، شکنجه، اعدام و قتل عام آموزش داده شده بود.

در حالی که دولت آمریکا قصد داشت به افکار عمومی این طور القا کند که وجود چنین مراکزی در کشوری که در حال مبارزه گسترده با تروریسم است لازم و ضروری

است (یعنی اعتراف ایالات متحده به این واقعیت که با ترور به جنگ تروریسم رفته است!)، منتقدان این مدرسه با ارائه آماری دقیق اثبات کردند؛ تعداد قربانیانی که این مدرسه در طول ۶۵ سال فعالیت‌اش ایجاد کرده است، چندین برابر تعداد کل قربانیان حملات تروریستی انجام شده علیه آمریکا و بمب‌گذاری‌های انجام شده در سفارت خانه‌های این کشور و همین‌طور واقعه ۱۱ سپتامبر بوده است. جالب آن‌جاست که این آمار فقط به فارغ‌التحصیلان این مدرسه محدود می‌شود، در حالی که حمایت آمریکا از پدیده تروریسم ابعادی بسیار گسترده‌تر دارد.

تروریسم نوین

امروزه اما تروریسم در بمب بستن به خود یا به رگبار بستن دیگران خلاصه نمی‌شود، تروریسم به نسبت گسترش تکنولوژی شیوه‌های جدیدی را در راستای نیل به اهداف خود در پیش گرفته‌اند.

تروریسم هسته‌ای

تنها نکته‌ای که در باره‌ی ترس از بکارگیری سلاح‌های هسته‌ای توسط تروریست‌ها ما را امیدوار می‌کند این است که هزینه‌ی تهیه و آماده‌سازی مواد هسته‌ای لازم برای ساخت یک بمب هسته‌ای بسیار بیشتر از توان اغلب گروه‌های تروریستی است. اما همواره این بیم وجود دارد که تروریست‌ها با بدست آوردن مواد لازم مثلا از طریق حمله به مراکز تهیه و نگهداری دولتی یا خصوصی این مواد اقدام به ساخت و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای کنند.

این که امنیت مراکز تهیه و نگهداری مواد هسته‌ای در حدی هست که تروریست‌ها نتوانند به این مواد دست یابند یا نه مشخص نیست اما در ۱۹۷۷ اعضای نیروهای ویژه

ی SBS که اخیراً تعدادی از آنها پس از تجاوز به آبهای ایران بازداشت شدند با هدف آزمودن امنیت یک مرکز هسته ای به نیروگاه هسته ای «داندی» در اسکاتلند یورش بردند و پیش از آن که پلیس بتواند طرحی برای مقابله با این حمله بریزد کنترل تمام نیروگاه را بدست گرفتند و در عصری که خطر حملات تروریستی یک تهدید بالقوه است این امر به هیچ عنوان خبر خوشی نیست.^۱

امروزه برخی کشورها نیروهای خاصی برای حفاظت از چنین مراکزی در نظر گرفته اند مثلاً در کشور روسیه نیروهای ویژه ی اسپتاز ویمپل در هر شهری که دارای نیروگاه هسته ای باشد شاخه های عملیاتی دایر دارند.^۲

اما در هر صورت ابهامات زیادی در باره ی امکان دست یابی تروریست ها به چنین سلاح هایی وجود دارد.

بیوتروریسم

بر اساس تعریف پلیس بین الملل در سال ۲۰۰۷ بیوتروریسم عبارت است از منتشر کردن عوامل بیولوژیکی یا سمی با هدف کشتن یا آسیب رساندن به انسانها، حیوانات و گیاهان با قصد و نیت قبلی و به منظور وحشت آفرینی، تهدید و وادار ساختن یک دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده کردن خواسته‌ای سیاسی یا اجتماعی.

در بین جنگ افزارهای نوین، سلاح‌ها و فن‌آوری میکروبی بیش‌تر از سایرین مورد توجه تشکلهای تروریستی و تروریست دولتی ابرقدرت‌ها قرار گرفته است. شاید بتوان به جرأت گفت که سلاح‌های هسته ای دیگر یک خطر بالفعل نیستند و تنها یک قدرت بازدارنده بالقوه محسوب می‌شوند. کشورهای صاحب این سلاح‌های هرگز

^۱ رادمد، محسن، دایرة المعارف نیروهای ویژه

^۲ همان

نخواهند توانست به راحتی از آن‌ها بر علیه دشمنان خود استفاده نمایند. زیرا تبعات بکارگیری چنین سلاح‌هایی آن‌چنان گسترده است که قسمت بزرگی از جهان را در بر خواهد گرفت. اشعه‌های رادیواکتیو، گردوغبار اتمی، طوفان اتمی و اشعه‌های یونیزه‌ی آن در قالب مرزهای جغرافیایی نخواهند گنجید و حوزه وسیعی را آلوده خواهند کرد. طبعاً در این موقع کشور بکار برنده این سلاح‌ها باید پاسخ‌گوی کشورهای همسایه نیز باشد. مثلاً اگر هند علیه پاکستان از بمب اتم استفاده نماید، بسته به محل انفجار اتمی، باید پاسخ‌گوی بخش وسیعی از خاورمیانه نیز باشد. لذا شاید همین ملاحظه بود که باعث شد در جنگ جهانی دوم ژاپن برای امتحان بمب‌های اتمی امریکا انتخاب شود. کشور دور دست در دریا که همسایه‌ی نزدیک هم ندارد. درحالی‌که به نظر می‌رسد اگر بنا بود جنگ را به نوعی خاتمه دهند، می‌بایست این بمب‌ها بر سر برلین تخلیه می‌شد که مبداء جنگ بود.

از سوی دیگر سلاح‌های شیمیایی نیز چندان گزینه مناسبی برای فعالیت‌های تروریستی نیستند. مشکلات حمل نگهداری و بکارگیری، نیمه عمر کوتاه، خطر نشت، تأثیر محدود و قابلیت ردیابی عامل ترور کننده باعث شده چندان مورد اقبال نباشد.

در مقابل در مورد سلاح‌های بیولوژیک توان تولید بالا [گفته می‌شود که در یک ارلن معمولی آزمایشگاهی می‌توان به اندازه‌ی میکروب سیاه زخم تولید کرد که برای از بین بردن ۲۰۰ میلیون نفر کافی باشد]، نگهداری راحت، قابلیت انتشار، قابلیت مصون سازی نیروی خودی، قابلیت تکثیر برای عوامل میکروبی زنده، دشواری بسیار در ردیابی فرد یا افراد متخاصم، گستردگی عمل کرد از انسان تا دام و محصولات کشاورزی و بسیار محسنات دیگر، موجب شده تشکل‌های تروریستی به این فن‌آوری جدید بشدت کشش یابند بدون آن‌که بتوان گناهی را متوجه آن‌ها نمود.

هر روز بسیاری از مناطق جهان در معرض خطر یک حمله بیوتروریستی هستند. بدیهی است که نیروهای نظامی، تنها جمعیت در معرض خطر برای حملات بیولوژیک نیستند بلکه اقشار مختلف در معرض خطر هستند.

طبق نظر کارشناسان سازمان بهداشت جهانی (W.H.O) در حال حاضر ۱۷ کشور جهان قابلیت تولید چنین موادی را دارند. تولید مواد بیولوژیک بالنسبه ارزان بوده ، به طوری که به عنوان بمب اتمی فقرا The Poor Man's Atom Bomb یا PMAB نامیده شده است. تولید، استفاده و انتشار یک سلاح بیولوژیکی بسیار ارزان تر از بمب اتم بوده و کم تر احساسات جهانیان را بر می انگیزد. و البته استفاده از این سلاح ها تا حدودی برای تروریست ها بی خطر می باشد. معمولا مشاهده پاتوژن ها و مقابله بر علیه آن ها مشکل است به عنوان مثال در صورت انتشار عامل اسهال در آب یک منطقه تا دوره کمون سپری شود و علائم بیماری ظاهر شود چند روز طول می کشد که فرصت مناسبی برای تروریست ها است تا به اهداف خود برسند. انتقال عوامل هم از کشوری به کشور دیگر به وسیله مسافره های معمولی آسان به نظر می رسد به عنوان مثال قرار دادن پودر میکروب سیاه زخم در داخل کپسول به عنوان دارو و حمل آن به مناطق مورد نظر.

در صورتی که تروریسم قصد گسترش وسیع بیماری را داشته باشد از عواملی نظیر آبله انسانی استفاده می کند که به راحتی از فردی به فرد دیگر منتقل می شود و باعث آلودگی وسیع می شود و در صورتی که قصد آن مورد هدف قرار دادن شخص خاصی باشد از عواملی نظیر انتراکس (عامل سیاه زخم) استفاده می کند. کشف و شناسایی یک حمله بیولوژیکی سخت و دشوار به شمار می آید. تاثیرات یک حمله بیولوژیکی به چهار دسته تقسیم می شوند.

۱- فیزیکی: بروز بیماری ۲- روانی: بروز ترس و وحشت، ۳- اقتصادی: محدودیت سفر و جابه جایی، متوقف شدن فعالیت های اقتصادی و کسب و کار ۴- زیست محیطی: آسیب دیدن انسان ها، حیوانات، گیاهان، آلوده شدن منابع طبیعی مثل منابع آب معمولا گروه ها و جنبش ها سیاسی و فرقه های مذهبی یا اشخاصی هستند که توانایی تولید و بکارگیری سلاح های بیولوژیک را دارند. به طور مثال جنبش استقلال طلب قبیله مائوئائو در کنیا که از سم برای کشتن ماموران حکومت استعماری بریتانیا استفاده

کردند. فرقه مذهبی راجنیشی در سال ۱۹۸۴ با آلوده کردن ظروف سالاد یازده رستوران در آمریکا با باکتری (تایفیموریوم سالامونا) موجب مسمومیت ۷۵۰ نفر شدند. در سال ۱۹۹۳ فرقه مذهبی آئوشینریکوی باسیل سیاه زخم را در ناحیه کامیرو در متروی توکیو منتشر کرد.

پس از پیش آمدن این برنامه طراحی شده، دولت نومحافظه کاران با بهانه قرار دادن این اتفاق سیلی از بودجه های دولتی را برای مقابله با تهدیدات بیولوژیک گروه های تروریستی همچون القاعده به مراکز تحقیقاتی مختلف ارائه داد تا به ظاهر راه کارهایی برای مقابله با این حملات فراهم کنند. برای برخورداری از این سیل پولی، بسیاری از سازمان هایی که بر روی بیماری های واگیردار و عفونی کار می کردند کار خود را به نوعی با بیوتروریسم ارتباط داده و دست به انجام تحقیقات و آزمایش های گسترده ای زدند که یقیناً در آینده ای نه چندان دور نتایج آن همچون نتایج پژوهش های دهه های قبل بر همگان ظاهر خواهد شد.

در سیستم درجه بندی امنیت بیولوژیک آمریکا درجه 4 به خطرناک ترین آزمایش ها و آزمایشگاه ها داده می شود. پیش از یازده سپتامبر تنها پنج آزمایشگاه وجود داشت که در بالاترین درجه امنیت بیولوژیک، یعنی درجه 4، قرار داشتند و به طور فعال در زمینه مطالعه عوامل بیولوژیک مرگ زا کار می کردند. در حالی که در سال ۲۰۰۹ این تعداد به پانزده مورد رسید و روند افزایشی همچنان ادامه داشته و تعدادی نیز در حال ساخت هستند.

در مجموع هم اکنون بیش از ۴۰۰ مرکز تحقیقاتی در درجات امنیت بیولوژیک ۳ و ۴ در آمریکا فعال هستند که توانایی تولید عواملی همچون باکتری سیاه زخم و فراورده های آن را دارند و بیش از چهارده هزار نفر بر روی تولید چنین عوامل خطرناکی کار می کنند که اکثر آنها مربوط به بخش غیر دولتی بوده و برای کسب بودجه مجبورند پروژه های مد نظر سیاست مداران را هرچه که باشد بپذیرند.

این عوامل از طریق جنگ افزارهای گوناگون منتشر می شوند. از جمله بسته های مراسلاتی، هواپیماهای سبک سمپاش یا بدون سرنشین مخزن دار، اشیا و وسایل مصرفی - بهداشتی و آرایشی، آفات نباتی، حشرات و جوندگان ناقل و تنقلات مانند شکلات ها.

تروریسم سایبری

توسعه ی حجم و گستره ی فعالیت های انسانی همگام با پیشرفت داتش و فناوری باعث گسترش کمی، کیفی و کارکردی فعالیت در فضای مجازی شده است. همگام با این فرآیند نیمه تاریک تفکر بشری نیز از قافله عقب نماند و با تمام قوا وارد این دنیای تازه شد. تروریسم نیز بخشی از این نیمه ی تاریک بود.

دیگر رابطه بین زمین، سرزمین و ترور تغییر کرده است. باید دانست که علت آن دانش است، یعنی تکنولوژی و علم. این تکنولوژی و علم است که تشخیص جنگ از تروریسم را نیز معشوش می کند. از این منظر، درمقایسه با امکانات ویرانگری مهیبی که امروز و برای آینده، درمخزن شبکه های کامپیوتری جهان ذخیره شده اند، واقعه یازده سپتامبر و مواردی از این دست، از نوع نمایش های باستانی خشونت محسوب می شوند که هدفشان تشویش اذهان عمومی است.

در همین لحظه و در هر لحظه ای می توان؛ بی سر و صدا و به طور نامریی، آنهم سریع و بدون خونریزی، با حمله به شبکه های کامپیوتری که همه حیات (اجتماعی، اقتصادی، نظامی و غیره) یک کشور بزرگ یا حتی بزرگترین قدرت های جهان به آن وابسته است، ضربه ای به مراتب بدتر، سخت تر و وحشتناک تر از تمام آنچه که می شناسیم به موجودیت و منافع هر ملتی وارد کرد.

شاید، روزی خواهند گفت: یازده سپتامبر مربوط به دوران خوش آخرین جنگ بود؛

دوره ای که همه چیز عظیم، قابل رویت و سترگ بود! به چه ابعادی! به چه ارتفاعی!

ولی وضع بدتر از این حرف هاست. امروز، تکنولوژی های مینیاتوری، از هر نوع به مراتب قوی تر در همه جا رخنه کرده اند و از لحاظ ابعاد با میکروبوها برابری می کنند. اما، دیگر ناخودآگاه ما حساس شده و از آن اطلاع دارد؛ و همین است که تولید ترس می کند.

امروز ایالات متحده آمریکا و اروپا، بویژه لندن و برلین، به پناهگاه و محل آموزش و کسب اطلاعات برای همه تروریستهای جهان تبدیل شده بی آنکه حتی در آن پای گذارند و بانک های این کشور ها محل گردش و نگهداری دارایی تروریست ها شده. مدتهاست که دیگر برای در بیان مکان و موقعیت جغرافیایی پایگاه عملیاتی و محل استقرار این تکنولوژی های جدید ارتباطاتی و تهاجم های مبتنی بر بستر آن، نسبت دادن جغرافیا و یا سرزمین معینی جایز نیست (برای تعمق و تدقیق آنچه در بالا در مورد تهدید تمام عیار از محلی ناشناس و غیر دولتی ذکر شد، این را هم سریع و گذرا بگویم که تهاجمات از نوع تروریستی، دیگر نیازی به هواپیما، بمب و داوطلب عملیات انتحاری نخواهد داشت؛ کافی است، ویروسی در برنامه های کامپیوتری که داری اهمیت استراتژیکی هستند وارد کرد؛ و یا به منظور فلج کردن منابع اقتصادی، نظامی و سیاسی در یک کشور یا در یک قاره، اغتشاشات خطرناکی به وجود آورد. این گونه عملیات می توانند در هر کجای دنیا و با هزینه و ابزاری محدود عملی شوند).

تجربه ی داعش ثابت کرد که امکاناتی که کشور های مختلف برای رفاه حال و کسب و کار شهروندان خود ایجاد و مستقر کرده اند در لحظه ای ممکن است علیه منافع همان دولت، ملت و یا همسایه های او و یا حتی مجموعه های بسیار دورتر به کار گرفته شود. گاهی مستقیما و گاهی در پشتیبانی از آن. امروز می توان گفت هیچ شبکه ی اجتماعی نیست که تروریست ها از آن استفاده نکرده باشند. شما یک شبکه از شاهراه های بین المللی بدون مرز و محدودیت را در سرتاسر جهان پیاده کرده اید و کیست که بتواند منکر جذابیت این امکان برای ضربه زدن به دیگران شود. دولت ها

امروزه روی این بستر در حال جنگ هستند و تروریست ها هم جذابیت و منافع این امکان را درک کرده اند.

به سادگی می توان گفت «چیزی که به شبکه متصل شد دیگر تنها متعلق به شما نیست و هر لحظه ممکن است علیه شما بکار گرفته شود».

حقیقتا می توان گفت کسانی که ساده اندیشانه به این بستر نگاه می کنند همانند کسی هستند که بر ساحل ایستاده اند و در تماشای یک موج عظیم تسونامی فقط می گوید «چه زیباست».

رسانه و تروریسم

چنانکه در بخش های پیشین نیز مطرح شد تروریستها علاقمندند که با استفاده از رسانه ها وحشت را بعموم انتقال دهند تا از این طریق به منافع سیاسی دست یابند.

رسانه ها نیز بعضا از روی سودجویی و بعضا از جنبه همکاری با تروریسم به علت سیاست های پنهان دولتهای مطبوعشان و گاه به دلایل دیگر با تامین نیاز رسانه ای تروریستها به بازوی آنها تبدیل می شوند.

الکساندرایزویچ سولژنیتسین محقق آزاد اندیش روس در ۸ ژوئن ۱۹۷۸ در سخنرانی خود در دانشگاه هاروارد تحت عنوان «جهانی از هم گسیخته» می گوید «مطبوعات در غرب از آزادی وسیعی بر خوردارند ولی چه سودی از آزادی می برند؟^۱

در اینجا نیز غرض اصلی تخلف از قانون نیست اما هیچ تعهد اخلاقی برای عدم تحریف و انحراف مطرح نیست. روزنامه یا روزنامه نگار چه تعهدی نسبت به خوانندگان و تاریخ دارند؟ اگر آنها افکار عمومی را با اطلاعات نادرست یا نتیجه گیری های غلط منحرف کرده باشند و حتی اگر به اشتباه هایی در سطح ملی دامن زده باشند آیا موردی سراغ داریم که در آن روزنامه بصورت صریح اظهار ندامت کرده

^۱ جهانی از هم گسیخته

باشند؟ نه هرگز چراکه به تیراژ لطمه می خورد. یک ملت ممکن است از چنین اشتباهی بدترین ضربه ها را بخورد، ولی روزنامه نگاری نیست که اعتنا کندو به احتمال زیاد با اعتماد بنفس تازه ای، درست بر خلاف گفته های قبلی خود شروع به قلم فرسایی می کند. و چون اطلاعات موثق آنی نیاز است لازم می بیند از شایعات استفاده کند و یا آنها را بسازد و حدس و گمان هایش را به جای اطلاعات قطعی به روی کاغذ می آورد و حال آنکه هیچ یک از آنها تکذیب نمی شوند و در ذهن خوانندگان باقی می مانند.^۱

همه روزه چقدر قضاوت های سطحی، شتابزده، نسنجیده و گمراه کننده صورت میگیرد که خوانندگان را سردرگم و نهایتا بحال خود رها می کند.^۲ مطبوعات می توانند نقش بیان افکار عمومی را ایفا کنند یا آن که آن را بابتذال بکشانند. به سادگی از تروریستها قهرمان می سازند و بیشرمانه در زندگی خصوصی مردم سرک می کشند.^۳

و به سادگی کار خود را با این جمله که «دانستن حق همه است» کار زشت خود را توجیه می کنند. ولی این شعار دروغ است و حق مهمتری که از همگان سلب می شود حق ندانستن است چرا که روان های زیبایشان با اراجیف مهملات و چرندیات پر می شود.^۴

از آنجا که دوره ی جهان تک قطبی به سر آمده و رسانه ها به سرعت در حال گسترش و عمومی شدن هستند هر قطب و شبه قطبی به راحتی می تواند نظر خود را در جریان اطلاعاتی که به خورد مردم می دهد کاملا القا کند نمونه ی آن را در نبرد سوریه شاهد بودیم؛ اغلب اهل سنت منطقه باور کرده اند که ارتش سوریه جنایت می

^۱ جهانی از هم گسیخته

^۲ همان

^۳ همان

^۴ همان

کند و مخالفین (تروریست های وابسته به القاعده) آزادیخواهانی هستند که تنها از خود دفاع می کنند. این به سادگی قابل فهم نیست که وقتی جامعه ی جهانی (مطلق ایالات متحده و کشورهای وابسته) می خواهند که تروریست ها آزادی خواهان رنج کشیده معرفی شوند، کدام دادگاه پاسخگو خواهد بود.

در کتاب TERRORIST RECOGNITION HANDBOOK اثر مالکوم دابلیو. نانس می خوانیم که تروریست ها نیازمند رسانه هستند و عموماً تروریسم به وسیله ی توجه رسانه ها موفق می شود و گسترش می یابد. هدف عملیات های تروریستی آن است که وحشت را منتقل کنند و یک خواسته را به اطلاع عموم برسانند؛ تخریب، تهدید و حمله و حجم و شکل آن عملاً اهمیتی ندارد و حتی این که خواسته ی چه کسانی بوده یا اصلاً چه خواسته ای داشته اند، موفقیت عملیات تروریستی در آگاهی یافتن عموم و وحشت آفرینی است.

آینده ی تروریسم

بسیار خوشبینانه و به مراتب بیش از آن احمقانه است اگر زمانی را برای پایان تروریسم در نظر بگیریم. شاید بتوان گفت زمانی تروریسم وجود نخواهد داشت که سیاست، قدرت، منابع و منافع و حتی افکار و عقیده ها وجود نداشته باشند و به بیان ساده تر زمانی که دیگر اجتماعی انسانی روی زمین وجود نداشته باشد.

در نهایت اگر بخواهیم آینده ای برای تروریسم ترسیم کنیم این ترسیم تنها می تواند به تغییرات ابزاری و بعضاً ساختار های تروریسم بپردازد.

سخن گفتن از آنچه می تواند خطر تروریسم را در آینده ی دور یا نزدیک کاهش یا افزایش دهد سخن گفتن از تحرکات فکری و اجتماعی انسان ها و هر نوع حرکت از سوی دولت هاست. چنانکه امروز هر تنشی در میان جوامع در هر سطحی می تواند تروریسم را رقم بزند و شاید بزرگ ترین علت آن سهولت تأمین ابزار است که در کنار

رنگ باختن ارزش‌ها در تفکر نوین امروز هر انسان توانمندی را به وادی تاریک تفکر بشری دعوت می‌نماید.

آرزوی محالی است اگر امید داشته باشیم که تکامل ذهنیت بشر به جایی برسد که نیاز به خشونت در هیچ سطحی احساس نشود و گذر زمان ثابت کرده که بشر امروز به دنبال تکامل نیست و هر گامی که بر می‌دارد بر زمینی سست‌تر فرود می‌آورد. تنها چیزی که بشر امروز می‌تواند به آن امید داشته باشد این است که قدرت و ابزار در دست صالحان و عقلای بشر قرار گیرد عقلایی که تصورات و مفاهیم ذهنی‌شان فراتر از سود و زیان یک شخص و یک جامعه باشد.